



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۹۵۵

صفحه ۳۰۸۵

شنبه ۸ خرداد ماه ۱۳۲۷

وزیر: سید محمد باقی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۸۲

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات هفتاد و دومین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲- تصویبنامه ۱۲
- ۳- آگهی های رسمی ۱۳

## مذاکرات مجلس

جلسه ۷۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه چهارم خرداد ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان سلطان العلماء امیر تیمور نراقی - فرامرزی
- ۳- تقدیم دو فقره لایحه و بیانات آقای وزیر دارائی
- ۴- معرفی آقای فریدونی معاون وزارت کشور
- ۵- سه فقره سؤال از آقای وزیر دارائی
- ۶- موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه

مجلس ساعت ۱۰ و ۵۰ دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- تصویب صورت مجلس

صورت جلسه قبل را آقای فولادوند (منشی) قرائت کردند

قبل از دستور تصویب نگردید

آقای دکتر شفق بایان توضیحی پیشنهاد جلسه قبل خودشان را پس گرفتند

آقای حاذقی پیشنهاد نمودند اعتبار ساختمانی سال ۲۶ برای انجام و تکمیل ساختمانهای دولتی مشمول سال مالی نشود

آقای دکتر مصباح زاده مخبر کمیسیون بودجه اظهار نمودند مجلس باید نظر خود را نسبت بتصویبنامه ها اعلام نماید

آقای دکتر معظمی پیشنهاد تنفس نموده توضیح دادند که مجلس باین طریق نمیتواند اظهار نظر کند مگر وزارت دارائی از مجلس بخواهد

آقای رضوی مخالف بودند و گفتند یا اجازه داده شود طبق لوائح تقدیم شده عواید تا مدت محدودی دریافت و یا لایحه یکدوازدهم از دستور خارج شود

آقای وزیر دارائی راجع بلوایی که دولت بر طبق دستور مجلس راجع بتصویبنامه ها تقدیم داشته توضیحاتی دادند و یکساعت و ده دقیقه بطهر تنفس داده شد و مقارن ظهر مجدداً مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و پیشنهادی از طرف آقایان نبوی و دکتر صده قرائت گردید که بنامه واحده جداگانه اخذ رأی و تصویب و نسبت بتصرفه ها و پیشنهادها بعداً اخذ تصمیم شود و توضیحاتی نیز در اینباره دادند

حسن مکرم - محمد عباسی - صاحب دیوانی - صفایامی - عدل اسفندیاری

دیر آمدگان با اجازه - آقایان مهندس رضوی - ابوالقاسم امینی - هدایت الله یالیزی - محمد علی منصف - دکتر طبیب - عبدالرحمن فرامرزی - ابوالحسن رضوی - یمن اسفندیاری - محمد هراتی - بهاءالدین کهید

دیر آمدگان بی اجازه آقایان: عزت الله بیات - حسن اکبر - جواد عامری - آقاخان یغیتیار - محمد علی مسعودی - شریعت زاده - مسعود ثابتی - بیگ پور - مشایخی - قهرمان - ساعد - بوداغان - اسمی

آقای آشیانی زاده در باب فلسطین اجازه صحبت میخواستند صورت مجلس تصویب شد و نطق

دو ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر روز شنبه اول خرداد مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت گردید

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

غائبین با اجازه: آقایان: محمد حسین صولت قشقایی - ضیاء ابراهیمی - محمد علی دادور - هنگر صاحب جمع - ابوالفضل ثولیت - کلان ماگومی - عباس نراقی - ناصرالدین ناصری - محمد تقی بهار - تقی زاده - شریف زاده

غائبین بی اجازه: آقایان: کشاورز صدر - ممتد دماوندی - سلطانی - موسوی - حسین وکیل - شهاب خسروانی - عبدالقدیر آزاد - سالار بهزادی





لیست ( خلاصه افاداتی که شده و جوابی که دولت داده برض آقایان میرسانم که توجه بفرمایند مرض کتم که در کاشان ۱۵ هزار کارگر قالی باف است در کرمان بیست هزار کارگر قالی باف است اگر آقایان دستگاه قالی بافی را ملاحظه کرده باشند یشت این دستگاهها دخترها و پسر بچه های جوانی هستند که غالباً مبتلا بصراف ستون فقرات و مبتلا بسل انواع مرضهای دیگر هستند ولی دولت برای اینها مسکوچکترین قدمی برنداشته است مطابق قانون بیمه کارگران که یکی از فواید این مفیدی است که در سالهای اخیر گذشته یک عده زیادی از کارگران بیمه شده اند ، در قانون بیمه کارگران ماده اول آن میگوید که کلیه کارگران اهم از اینکه در مؤسسات دولتی و غیر دولتی باشند باید بیمه شوند بنده ماده اول قانون بیمه کارگران را میخوانم که آقایان توجه بفرمایند قانون بیمه کارگران ماده اول - کلیه کارخانجات و مؤسسات اقتصادی و بازرگانی ، صنعتی ، مدنی ، بازرگری راه آهن ، و بطور کلی هر مؤسسه ای که کارگر در استخدام خود دارد اهم از دولتی یا غیر دولتی واقع در کشور ایران مکلفند کارگران خود را نزد شرکت سهامی بیمه ایران یا شرکت بیمه داخلی دیگری که دولت مقتضی بداند در مقابل حوادث ذیل که در اثر انجم وظیفه روی داده باشد بیمه نمایند فوت نقص و یا از کار افتادن اعضای بدن ، هزینه معالجه و دستزد کارگران در مدت بیماری و حوادث کار . بنابراین کارگران قالی باف مشمول مقررات قانون بیمه کارگران هستند ما بشرکت بیمه مراجعه کردیم و شرکت بیمه در این خصوص اقدام کرد چون در کاشان شرکت فرش دارای ۶۰۰ دستگاه قالی بافی است و باید اول شرکت فرش مبادرت باین اقدام بکند و بعد سایر کارخانجات هم بکنند شرکت بیمه بشرکت فرش نامه نوشت که اقدام بکنند و شرکت فرش قرار شد که یک فکری برای کارگران قالی باف بکنند حالا بنده جوابی را که شرکت فرش داده برای آقایان می خوانم این جوابی است که مدیر عامل شرکت فرش آقای قزوینی بجناب آقای وزیر دارائی داده است و در نوشت آنرا هم برای شرکت بیمه فرستاده اند ، جناب آقای وزیر دارائی ، چون طبق تصمیم متخذ در مجمع عمومی فوق العاده ۱۴ بهمن ۲۶ ، واقف فرموده اند که کارگران کارگاههای قالی بافی بمسائبت اینکه وضع کار آنها با کارگرانی که در کارخانجات موتوری کار میکنند از هر حیث مغایرت دارد و حوادثی در نتیجه کار برای کارگران قالی باف پیش بینی نمیشود که مشمول ماده اول قانون بیمه کارگران بشوند لهذا از رعایت مقررات قانون بیمه کارگران معاف میباشند و متنی است دستور مقتضی بشرکت سهامی بیمه ایران صادر فرمایند که قانون بیمه کارگران درباره کارگران قالی باف موقوف الاجرا بماند شرکت سهامی فرش قزوینی نتیجه اقدامی که ما کردیم اینست آقای قزوینی مدیر عامل شرکت فرش معتقد هستند که کارگر قالی باف هیچ مرضی پیدا

نظر دارم در تعقیب فرمایشات آقای امیر تیمور عرض میکنم البته از ایشان همین انتظار هم می رود و با آن غیرت و هیبت اسلامی که دارند ولی خواستم این را هم تذکر آ عرض کنم چون ممکن است در مملکت موجب سوء تفاهم بشود حتی راجع بیهودیهای ایران و آلهائی که در این فتنه دخالت ندارند ، البته یهودی ایرانی ایرانی است و در ذمه اسلام است و تابع حقوق مدنی ایران است و ملت ایران باید متوجه شود که گناه دکتر و ایمن و امثال او کردن یهودی ضعیف معله را نباید بگیرد مخصوصاً در اسلام هم هست خود پیغمبر فرموده است که من اذی اذنی انا خصمه یوم القیامه هر مسلمانی که بیک غیر مسلمانی که در ذمت اسلام است اذیت بکند من روز قیامت او را محاکمه میکنم این چیزی است که پیغمبر فرموده اند اینست که خواستم تذکر بدهم که مسلمانان ایران متوجه این نکته باشند که یک وقتی بهم وطنان غیر مسلمان خودشان در نتیجه احساسات اسلامی تجاوز نشود یعنی مردم ماجراجو استفاده از این موقع نکنند ( صحیح است ) زیرا فردا ممکن است که بهانه ای بدست خارجها بدهیم ( سلطان العلماء - با شرایط ذمی ) بله با شرایط ذمی که دولت ایران وضع کرده است ( سلطان العلماء - با شرایط ذمی اسلامی ) شرایط ذمی یعنی قوانینی که دولت ایران وضع کرده است باید اجرا بشود یعنی شرایطی که ایران دارد، عرایض دیگری که میخواستیم عرض کنم البته شاید موکلین بنده هم اینطور انتظار داشته باشند که بنده بیایم یشت این تریبون و راجع بوضع آنها در زندگی آنها حرف بزنم و اگر هم من حرف بزنم بدون اینکه در وضع آنها تأثیری داشته باشد طبیعتاً تغییفی در آلام قلبی آنها داده میشود و یک مفیداری از من راضی خواهند شد و میگویند که راجع به حرف زدند ولی چون بنده متقدم که اصلاحات تجزیه پذیر نیست یعنی ممکن نیست که یک تهران فاسد باشد و مملکت اصلاح بشود ، ممکن نیست دولت صحیح نباشد و حکومت نظنز و کاشان صحیح بشود مملکت مثل یک استخر آبی است مجال است آدم خیال بکنند که میشود یک کاری کرد که از این آب که منبش و وجودش یکی است یک گوشه اش شیرین تر بشود ، چنین کاری معال است ، تمام گوشه های یک استخر یک مزه میدهد باین جهت است که ما می بینیم وقتی آقایان صحبت میکنند از حوزه انتخابیه شان هر کس میگوید وضع اینجا خیلی بد تر از همه جا است برای اینکه چون آدم وضع هر نقطه ای را ببیند خیال میکند که دیگر از این بدتر نمیشود و این از همه بدتر است . پس وضع تهران بد است وضع تشکلات مملکت بد است ( صحیح است ) ما بدیم که آنجاها بدند ما نباید این توقع را داشته باشیم که ما بد باشیم ولیکن آن عملی که از دست ما صادر میشود خوب در بیاید همچو چیزی نمیشود میخواهد آنجا خوب شود خودتان خوب بشوید

چیزیکه وادار کرد بنده این عرایض را بکنم و البته قسم هم نمی خورم که تمام این چیزها نیکه بنده میگویم صحیح باشد این فکری است که برای بنده رسیده در نتیجه مطالعه و تحقیقاتی که کردم آن استقرایابید کرد آن تمثیل مرا متعلقی ها عقیده ای دارند اول یک فکری بغا طرشان میسرمد و بعد این را تعمیم میدهند و تتبع میکنند به بنده اینچور هست یا نیست این تمثیل را میگویند استقرای بنده این فکر را کرده بدیم تمثیل من درست در آمده و فکر من صحیح است بنده مدتی ناخوش بودم و در جریان نبودم بعداً هم مدتی غایب بودم وقتیکه رسیدم از مذاکرات مجلس و خارج حدس زدم که زیر این مذاکرات و این دعوی ها و این استدلالها و این قانون پرستیها چیزی باشد و تحقیق کردم بنظم اینطور آمد که یک چیزی است که بنظر من قابل تحمل نیست و مجلس نباید این را عمل بکند و آن اینست که من شنیده ام بعضی از وزرا بیل خودشان هر کسی بطمع اینکه رئیس الوزرا میشود علیه دولت عمل میکنند این مدتی است که اینجا جاری است من تعجب میکنم آن وزیری که علیه دولت خودش عمل میکند و تحریک میکند بطمع اینکه خودش رئیس الوزرا بشود عاقبت این چه میشود این خوب نیست اینطور نمیشود تازه وقتی من رئیس الوزرا شدم توقع دارم بر علیه من تحریک نکنند که رئیس الوزرا بشوند آخر دارد این عمل باخیر هر وزیری هر وکیل داوطلب ریاست وزرا است من تا جان دارم پشت سر او میروم بشرطیکه بن سند بدهید که دیگران بر علیه او تحریک و آتاریک نکنند اگر بنا باشد که آتاریک بکنند و یکمده بیایند با تحریک و آتاریک و جاه طلبی در بی نخست وزیری طلبی باشند این جاه طلبیها که فرد فرد مامتند هستیم برای اینکه ما تا آخرین مقامی که میخواهیم برسیم باید همه اصول زیر پا گذاشته شود ولی درباره من مردم آن اصول اخلاقی را رعایت میکنند ؛ بقول مثل امریکا آنها که میگویند وظیفه تو و حقوق من ، تو وظیفه ات است که اینکار را درباره من بکنی و من هم باید بچشم برسیم ما باید فکر بکنیم که وقتی همه این فکر را دارند چطور میشود زندگی کرد در میان یک جامعه ای که آن جامعه بتواند با هم ارتباط داشته باشد و زندگی بکند البته بنده این را اطلاع پیدا کردم یعنی حدس میزدم که این قانون پرستیها و این مرافعه ها و این تشنج ها نتیجه یک جاه طلبی های زیر پرده باشد و تحقیق کردم و برای خودم تا حالا اینطور ثابت است که ایستور هست مثلاً در نتیجه ۰۰۰ البته یک دوازدهم تصویب شد ، این قضیه گذشته ولی برای خاطر یک دوازدهم و سیزدهم نیست برای خاطر این است که ما میخواهیم توی این مملکت زندگی کنیم مثلاً راجع باینکه گفته شد اگر دولت تا هارو روز دیگر تادوروز دیگر این مالیات خلاف قانون را بگیرد اهلام جرم میکنم که این برخلاف قانون است ، البته این حرف صحیح است ، نباید بگیرد ولی یک صلی یا خوب است یا بد است ؟ خوب و بد زمان ندارد ، مدت هم ندارد ، مالیات برخلاف قانون گرفتن در اردیبهشت ۱۳۲۷ غلط است در اسفند ۱۳۲۶ هم غلط است ( صحیح است ) در خرداد ۱۳۲۵ هم غلط است ( صحیح است ) آن و کلاهی که ناظر بودند این مالیات

و کاری بکنند که دولت را ببندازند بجای همکاری بر علیه هم کار بکنند عاقبت یک چنین مملکتی رو بزوال است . اولاً میخوام از مجلس شورای ملی استعفا کنم که چنین وضعی را هیچ دولتی اجازه ندهید وزیرری در هیئت دولت بر علیه دولتی که عضو آن است عمل بکنند ، چنین وزیری باید از حقوق مدنی محروم باشد که دیگر حق خدمت در این مملکت هم نداشته باشد تا چه رسد باینکه رئیس الوزرا بشود ، آقایان و کلا هم عرض میکنم و استعفا میکنم توجه بکنند باین قسمت ، یک مملکتی باید باشد که ما بتوانیم توش و کابل بشویم و این را هم فکر بکنیم که در خارج این محوطه ۰۰۰ الان ما در این محوطه هستیم یک قوانینی هم هست که ما هر حرفی میزنیم کسی خارج از این محوطه نمیتواند شرکت در حرف ما بکند ولی رجوع مجلس شورای ملی فرع افکار عمومی ملت ایران است مجلس شورای ملی باید کاری بکند که افکار عمومی مؤید آن باشد ، قوت دو جور است ، یک قوت مادی است ، یک قوت معنوی است ، یک فرمانده لشکر قوت مادی دارد ، شاید احتیاج بافکار عمومی نداشته باشد ، وقتیکه لشکرش منظم است ، وقتی که اسباب کارش مهیا است و اسلحه اش قویتر از اسلحه حریف است میخواهد مردم راضی باشند میخواهد مردم راضی نباشند ، ولی مسائل معنوی مثلاً امام جمعه امام جمعه باید محترم باشد نه زور دارد نه اسلحه و محترم نمیشود مگر اینکه خودش با تقوی باشد ( صحیح است ) با دسته بندی و دسته راه انداختن امام جمعه محترم نخواهد شد ( صحیح است ) مجلس شورای ملی وقتی قوی است که افکار عمومی پشت سرش باشد ، با دسته بندی نمیتواند قوی بشود ، و البته وقتی افکار عمومی مؤید او خواهد بود که مطابق افکار عمومی و مصالح عمومی عمل بکنند ( صحیح است ) میخوام عرض بکنم آقایان وزرا و آقایان و کلا با این وضع نمیشود زندگی کرد و استقلال مادوام پیدا نخواهد کرد و ما بآن مدارجی که باید برسیم نخواهیم رسید ( صحیح است ، احسن )

کریه شود تا حالا اینها یا ناظر در قانون هستند یا نیستند . اگر ناظر هستند چرا پارسان نبودند ؟ چرا دوام پیش نبودند ؟ چرا حالا میگویند اگر دولت متوقف نکند ما او را محاکمه اش میکنیم ؟ کی باید ما را محاکمه کند ؟ مگر قانون باید باز بچه دست ما باشد که این را بخوابانیم ؟ کما اینکه ما حالا می بینیم یک مقرراتی هست که اجرا نمیشود مثلاً مثل بزم از قدیم در ایران این جور بوده است مخصوصاً در تهران که اگر یک کسی با یک زنی حرف بزند بیرئدش کلاتری یک تومان جریمه اش میکنند البته همه ما هم تابع این مقررات هستیم و این ماده هست ولی عمل رویش نمیشود اما اگر یک آژانی با من عرض داشت و گفت چرا تو با این زن حرف زدی و مرا بردند کلاتری باید من جریمه را بدهم ، یعنی قانون باز بچه هست برای اینکه ما وقتی بکسی غرضی پیدا کردیم با آن قانون یقیناً را بگیریم ، اما برای اینکه اجرا بشود نیست من تصدیق میکنم فرمایش جناب آقای اسکندریرا که هر وزیری خلاف قانون بکند برود بمحسب و پیراهن زنک ترنگ بیوشد ولی هر وکیل هم که با قانون و قانون اساسی بازی بکند ، او را آلت دست قرار داد او را باید هم پیراهن زنک ترنگ تنش کرد و هم کلاه شیطانی سرش گذارد ( صحیح است ) دولتی آمده وارث وضع دولت دیگری بوده که خود شماها آن دولت را تأیید کردید ( صحیح است ) اعمالی کرده ب موجب تصویب نامه یا هر چه که خود شما ها ناظرش بودید ، آنرا او در عمل انجام شده قرار دادن و در کوچی بن بست قرار دادن ، یک چیزی که همه کس میداند ، اینها خلاف عقل است ، خلاف طبیعت هم هست عرض کنم که چون ما می خواهیم زندگی بکنیم مملکت احتیاج بدولت دارد ، بدون وجود دولت نمیشود زندگانی کرد ، شاید هم بشود ، این را هم عرض میکنم باید ما یک خطی بکشیم بگوئیم دولتی که میباید باید در حدود این خط زندگی بکند بگوئیم مثلاً ما یک دولتی می خواهیم که دزد نباشد ولی دزدی را رها کند که مردم بکنند یا دولتی میخواهیم خودش دزدی بکند ولی دیگران نکنند ؛ یا یک دولتی میخواهیم که دزدی نکند و هم آزاد بگذارد ، حد برایش معین بکنیم که دولت تکلیف خودش را بداند و بعد خودمان هم آنرا رعایت میکنیم نه اینکه هر دو ، سه ماهی یک دولتی بیاید بعد از این مقررات و قوانینی که نه اجرا شده و نه خودمان بهش اهمیت میدهم که اجرا بشود و تا مدتی هم تأیید کردیم که آنطور باشد یکدفعه باز بگوئیم که هلی این بیطال یا عمر این الخطاب ؛ ( عمر این الخطاب از نظر خودم عرض میکنم که معتقد کسی در دنیا مثل او حکومت نکرده ) ( یکی از نمایندگان - علی کرده ) بلی علی هم مثل او کرده ( حاج آقا رضا رفیع - وارد این بحث نشوید ) بله وارد این بحث نمیشوم - عرض کنم آقایان جناب آقای فرامرزی یک اصولی را امروز اینجا عنوان فرمودند که من خیال میکنم که فقط اختصاص بخودشان دارد چون شما اگر تمام مجموعه قوانین مراجعه بکنید نمیتواند این یکی دو ماده ای که ایشان الان اظهار فرمودند در آنجا پیدا بکنید و باستی گهت در رویش یک خط ۹ بکشند و بگویند

عباس اسکندری - آقا بنده اختصار دارم طبق ماده ۱۰۹  
یکی از نمایندگان - آقا توهینی نشد دهقان - آقا توهین نشد فرمودند جناب آقای اسکندری .  
حاذقی - آقای رئیس خواهش میکنم رحم بجال ملت بفرمائید .  
رئیس - آقای اسکندری .  
عباس اسکندری - تخریب آقای حاذقی مطمئن باشید بنده تخریب کسی نمیتوانم بنده خیلی خلاصه می کنم اختصار خودم را ولی خیلی متأسف هستم که جناب آقای فرامرزی یک اصولی را امروز اینجا عنوان فرمودند که من خیال میکنم که فقط اختصاص بخودشان دارد چون شما اگر تمام مجموعه قوانین مراجعه بکنید نمیتواند این یکی دو ماده ای که ایشان الان اظهار فرمودند در آنجا پیدا بکنید و باستی گهت در رویش یک خط ۹ بکشند و بگویند



که مجموعاً فرامرزى - ایشان فرمودند که اگر يك وكيلى دولتى را باو رأى اعتماد داد (منهوش منظور بود) و بعداً آمد و با آن دولت مخالفت کرد آن وكيل را بايد لياست سه رنگ تنش بکنند و کلاه سرش بگذارند بفرستند قصر (همه نمايندگان - اينطور نگفتند) پس باين طريق من خيال ميکنم که بايد يك دولتى آورد روى کار و بعد هم رفت از اينجا براى اينکه ديگر حق مداخله نداريم ، نکته ديگر که فرمودند اين است که گفته اند اگر وزيراه با همديگر نشستند دور يك ميزمطالب سياسى طرح کردند دو ماه ، سه ماه يا هم توافق دارند و بعد با هم اختلاف پيدا ميکنند وقتى که اختلاف سياسى پيدا کردند از حقوق مدنى آن وزير محروم است واقعا جز فريبى است ...

رئيسى - اين ديگر مربوط به ماده ۱۰۹ نىست عباس اسكندرى - باآقاى فرامرزى خيلى اجازه داديد اجازه بفرماييد بنده هم چند دقيقه عرض کنم . (زنگ ممتد رئيس) آن موقع اينقدر زنگ نزديد ...

رئيسى - چون بنده هم بايشان نبايد اجازه داده شود ايشان اجازه خواسته اند طوري بفرماييد که سوء استفاده نشود .

فرامرزى - بنده سوء استفاده نميکنم .

اسكندرى - بنده با تمام اين حرفها چون کمال احترام را بشما و ساير آقایان دارم عرض ميکنم سانسورى را که در مطبوعات ميگريد و جنابالعالى مهدي دار بوديد آنرا بمجلس شوراى مى نياوريد ( فرامرزى - تکذيب ميکنم ) در وزارت کشور تشريف داشتيد اين کار را کرديد ولى در مجلس شوراى مى نبايد باشد .

رئيسى - اينها مربوط به ماده ۱۰۹ نىست (زنگ ممتد رئيس)

اسكندرى - راجع باآقاى فرامرزى اينقدر زنگ نزديد (زنگ ممتد رئيس)

فرامرزى - توباً قانون ماليات مخالف هستى که ماليات زمين خودت را ندمي

رئيسى - آقاى اسكندرى بفرماييد بنشينيد .

اسكندرى - خيلى خوب يس آقاى فرامرزى هم بفرماييد .

رئيسى - آقاى امير تيمور ، آقایان ميدانيد که طبق ماده ۱۰۹ اگر يكسوى تو هيئن شد اجازه داده ميشود توضيحاتى بدهند . نه اينکه حمله بکنند

امير تيمور - بنده هيچ وقت ميل ندارم براى اينکه بگفتم وقت مجلس شوراى مى را تضييع بکنم (احسن) اما فرمايشات آقاى فرامرزى از جهه اينکه براى حمايت از دولت يادستان ايشان اظهار شد من هم فوق العاده خوشوقت هستم ولى در عين حال انصاف و مروت مقتضى است که نه تنها آقاى فرامرزى ، هر کس بخواهد در اين مکان مقدس حرفى بزند بدو تحقيق بکنند ، وارد شود سابق اشخاص را در نظر بگيرد و بعداً رويش اظهارى بکند والا نسجنيد اکر ايشان با نهايت فصاحتى که دارند بياناتى بکنند بااواطمينان ميدهم که کوچکترين تأثيرى نخواهد داشت . در موضوع مالياتهاى غيرقانونى که آقاى نجم مشغول اخذ شده اند ومن گفته ام بايد از اين کار منصرف بشوند

وماليات غيرقانونى از مردم نگريند حتى هلاوه کردم که اگر اين عمل را تعقيب بکنند من اعلام جرم مى کنم آقاى فرامرزى بن ايران کردند که چرا توقيل عنوان را نکردى اولاً عرض بکنم که آقاى فرامرزى حق چنين ايرادى را بن ندارند دلم خواست نکردم ولى مهذا براى اطمينان خاطر آقاى فرامرزى عرض ميکنم که از دو سال قبل که من در خراسان بودم و در خراسان مطلع شدم که اين ماليات غير قانونى شروع کردند باخدا کردن يك عده زيادى از مردم بن مراجعه کردند من ابتدا تکذيب کردم که هم حال است دولت يکچنين عمليا من تکب بشود زير اخلاف قانون است پس از آن عده زيادى بازمين رجوع کردند که دارند از ما ميگيرند ماليات ۲ سال و ۳ سال ۴ سال و ۵ سال با کمال شدت و سختى دارند از ما ميگيرند من پيش از ۵۰۰ مرسله در جواب اشخاصيکه بن مراجعه کرده اند در خراسان نوشته ام بپرسم که اين برخلاف قانون اساسى است و حق ندارند چنين کارى را بکنند و حق ندارند بشما برخلاف قانون مزاحم بشوند و شماها وظيفه تان اين است که برخلاف قانون زير بار ظلم نرود ، زير بار زور نرود ، تحمل نکنيد اين راهم بپرسم گفتفم وضمتاً به دارائى خراسان هم من در ضمن چند مرسله اين قسمت را تذکر دادم که مطالبه مالياتهاى که مستندقانونى ندارد ، قانون اساسى منع کرده ، اين عواقب وخيى خواهد داشت و اين جرم است من شما را متوجه بعمل خودتان ميکنم مطلع شدم که دارائى خراسان يکى از مراسلات من را به وزارت دارائى مراجعه کرده بود آقاى نجم در جواب دستور داده بودند که وكييل حق مداخله در اين امور ندارد آنها هم متعدد المال کردند بجمع همه هاى خراسان که اظهارات امير تيمور در اين مورد پشيزى ارزش ندارد و بايد با نهايت شدت ماليات خلاف قانون را مطالبه واخذ کنند اين هپلى است که آقاى نجم کرده اند ومن شديداً تمقيشان خواهم کرد پس از اينکه من بطهران آمدم شهادت کميسیون بودجه که؟ ميفرماييد اين اظهار را نکرديد ، شهادت کميسیون بودجه در دولت گذشته مخصوصاً صورت مذاکرات مشروح کميسیون بودجه موجود است و آقاى فرامرزى ممکن است بگيوسون بودجه مراجعه بفرماييد مخصوصاً در يك جلسه شايدمن سه ربع ساعت در اين باب صحبت کردم و گفته اين عمل خلاف قانون است و اين عمل جرم است ومن زير بار اين عمل نخواهم رفت جناب آقاى بهبهانى رئيس محترم کميسیون بودجه حاضر هستند و آن موقع جناب آقاى وزير هم وزير دارائى بودند موقعى که در سه دوازدهم بودجه من در مجلس شوراى مى صحبت کردم در همان اسفند ۲۶ باآقاى نجم با کمال متانت واردات و با کمال خضوع و خشوع و با کمال ادب و انسانيت تذکر دادم که آقا اين عمل خلاف بايد جلو گيرى بشود و در واقع جريان داشته شما موقوف بفرماييد در مجلس شوراى مى گفتفم مراجعه بفرماييد بصورت مجلس يشت اين ترتيبون اظهار کردم در همان اسفند ۲۶ که اين عمل جرم است و اگر خلاف بکنيد عواقب وخيى براى شما خواهد داشت متعاقب آن هم تا اين دقيقه که خدمت آقا هستم و تا

فرامرزى - اجازه ميفرماييد ؟

رئيسى - بفرماييد .

فرامرزى - عرض کنم آقاى امير تيمور يك مقدارى از فرمايشتان راجع بمرض بنده بود مثل اينکه عرايش بنده را متوجه نشده اولاً بنده نظر بشخص ايشان نداشتم و ايشان را يکى از اشخاص خوب اين مملکت ميدانستم و حالا هم ميدانم عرض کنم که قصد من اين نبود که ماليات غير قانونى گرفته بشود عرض کردم دولت در مقابل يك امر موجودى قرار گرفته که آنرا اگر ما بخواهيم با اين وضع باو ايراد بگيريم بجز اينکه برود ممتاى ديگرى ندارد و بعد از او هم هر کس بايد بايد هيئن کار را بکنند آن وقت ما راجع باو بايد بگوييم حتماً بايد اينطور باشد که عملى نيست بنده نخواستفم که دفاع از دولت بکنم يا نکنم قصد من يك امور کلی بود و تصور ميکنم بقدرى روشن بود که لازم نيست توضيح بدهم مگر اينکه يك کسى ميل داشته باشد براى اين که يك حرفى بزند به مخالفتهاى بکنند من نگفتم وزير برخلاف وزير ديگرى نظر سياسى پيدا نکنند عرض کردم حق ندارد زير پرده حقه بازى بکند .

رئيسى - آقاى وزير دارائى

۴ - تقديم دو فقره لايقه و بيانات آقاى وزير دارائى

وزير دارائى - آقایان استحضار دارند که وضع بلوچستان ايجاب ميکند با نجا يك توجه بيشتري بشود راجع بماليات املاک مزرهوى که فلافلازمه جا گرفته ميشود در بلوچستان ميزى نشده است چون آقایان اطلاع دارند که اين ماليات مطابق ميزى گرفته ميشود ميزى خيلى کم شده در چند قريه شده و بعد هم بواسطه سختى ها و خشکسالى ها ميسر نشده است که اين ماليات گرفته شود و الا تکليف دولت معلوم نيست اين يك لايقه است که تقديم مجلس ميشود که از اين مطالبات گذشته صرف نظر بشود ( صحیح است ) و از امسال مطابق لايقه ايکه در کميسیون قوانين دارائى مشغول رسيدگى

استند هر طور که مجلس شوراى مى مقرر بکرد نسبت با نجا و ساير جاها اينطور عمل بشود و براى اينکه تکليف دولت و مردم هم معلوم بشود اين لايقه با قيد يك فوريت تقديم شده است حالا بستم بنظر مجلس است . يك لايقه ديگرى هم هست راجع به پرداختهاى که در سال ۱۳۲۶ شده مطابق تصويبنامه و صورت آنها هم سابقاً بمجلس فرستاده شده حالا لايقه آن هم براى ملاحظه بمجلس تقديم ميشود يك مطلب ديگرى که بنده ميخواستفم عرض کنم يعنى چند جلسه بود که تقاضا ميکردم يك توضيحاتى بمرض آقایان برسانم راجع بشرکت نفت جنوب بود اينجا از وقتيکه ... (دکتر اعتبار اجازه بفرماييد بنده سؤال خودم را عرض کنم ) بنده يك توضيحاتى عرض ميکنم جواب سؤال را هم بنده عرض ميکنم . اينجا از وقتيکه دولت حاضر مشغول کار شد در مجلس شوراى مى در موارد عديده يك صحت هاى راجع بامور مربوطه شرکت نفت انگليس و ايران شد و بعد از اين مذاکرات يك سؤالهاى هم از طرف بعضى آقایان نمايندگان شد يکى از آنها آقاى دکتر عبده بودند يکى هم آقاى دهقان . بنده براى اينکه در جواب آن مطالبى که در موارد عديده بعضى از آقایان گفته بودند دو تا سؤال هم که اين دو نفر آقایان کرده بودند بطور اختصار يك عرضى بکنم يك روزى يك مطالبى گفتم بعد اين مطالب بنده بين بعضى از آقایان که البته از روى دقت و صحت بکار ها وارد ميشوند اسباب سوء تفاهم شد در مورد بعضى از اشخاص هم در خارج مجلس شايه از روى تمس يا عدم توجه سوء تعبير شده است اين است که خواستم يك توضيح مختصرى راجع باين امر بمرض آقایان برسانم براى اينکه بنظر خودم اهميت هم دارد بايستى يك قدرى بيشتتر وارد اين مطلب بشويم مطالبى که اينجا چند مرتبه صحبت شد راجع بدو امر مختلف بود سؤالها هم راجع بدو امر جداگانه بود مثلا يك روز آقاى دکتر راجى بنده توى جرايد خواندم که يك صحبت هاى کرده بودند راجع بکارگر و عمله جات و کارمندان ، سؤال آقاى دکتر عبده هم راجع بهمين بود گفتفم ماده ۱۶ امتياز را چه کرديد ؟ چه تدابيرى اتخاذ کرديد صحبت از ماده ۱۶ امتياز نامه بود بعضى از آقایان ديگر هم باز در اطراف اين موارد مختلفه يك صحبت هاى کردند سؤال ديگرى آقاى دهقان کردند آن سؤال راجع باين بود که قانونى که در مهرداد ۱۳۲۶ از تصويب مجلس شوراى مى گذشته است چه اقدامى کرده بنده براى اينکه بجهانى که بعد هم عرض ميکنم يك مختصرى باستحضار آقایان رسانده باشم تمام اينها را يکجا عرض کردم گفتفم آقا راجع به ماده ۱۶ که آقاى دکتر عبده سؤال کرده بودند وساير آقایان هم کرده بودند سالها است در وزارت دارائى و اداراى يکه مشغول اين کار است مطالعاتى ميشود چند سال قبل در حدود ۱۳۱۵ هجرى است گویا وزير دارائى وقت يك طرحى براى اجراء ماده ۱۶ امتياز نامه تهيه کرد و با شرکت نفت راجع با ن طرح مذاکره کرد طرفين موافقت کردند و اين طرح تا اواسط جنگ جارى بوده ، مجرى بوده اواسط جنگ البته وزارت دارائى متوجه شده است که اين طرح مصالحت نيست و اساساً هم درست تنظيم نشده است

بناى دولت مجلس يعنى در بيت آن حضور هم معنائى باده ۱۶ در آن طرح و هيات نشسته ولى موقع طردى نبوده ۱۹۴۳ موقع جنگ ، بوجوه جنگ که در ايران هم مخصوصاً بکارگر و کارمند و متخصص و اهل فن احتياج زياد بوده چون متاسفانه خارجى ما اينجا بودند احتياج بکار داشتند جنگ بوده است و پسر نبوده است که يك اقدام صحیحى طبق ماده ۱۶ امتيازنامه بشود اينطور مقتضى ديده شده که تاجک هست و تاقشون بيگانه ارتش بيگانه در خاک ما هست اين مطلب هيئتطور بماند جنگ تمام شد وزارت دارائى شروع با اقدام کرد مذاکره کرد مطالعه کرد تا در آذر ۱۳۲۶ بعد از آن موقعى که قانون تصويب شد البته مديران شرکت ميآيند براى سرکشى بکارهايشان ، ميآيند براى حرف زدن با دولت گفتفم و مذاکره کنند آنوقت هم يکى از مديران شرکت حاضر بوده خودش براى مذاکره در اين امر بوزارت دارائى هم اطلاع داده در وزارت دارائى جلساتى تشکيل شده و بحث زيادى شده ، و بالاخره يك طرح همومى که وزارت دارائى ميتوانسته است تا آن در چه خودش را قانع کند براى اجراء ماده ۱۶ آنرا تسليم مديران شرکت کرد آنها هم البته يك چيز هاى گفتند ولى وزارت دارائى نپذيرفته و گفته که مطابق هيئن بايد باشد و نباشد که بروند در لندن مطالعه بکنند و هر چه زودتر نظر خودشان را بگويند بنده هم از وقتى آمدم هيچ تفواستم بگويم که بنده يك کارى کردم که مستحق يك پاداشى هستم وظيفه ام اين بوده است اگر کسى بوظيفه اش عمل نکند بايد از ش باز خواست کرد ، مؤاخذنه کرد ، استيضاح کرد ، اما اگر کسى کارش را ميکند که نبايد رجز خوانى بکند بنده توضيحات دادم عرض کردم اين امر يکه بوده بنده هم آمدم تعقيب کردم و جدت کردم و عرض کردم که سعى کرديم ، در وزارتخانه هر اداره اى براى يك کار است اين اداره هم بايد اين کار را تعقيب بکند سعى کرديم تا اينکه هيئن امروز که بنده اينجا خدمتتان هستم حاضر ام براى اينکه اين را خانه بدهيم اما مسئله ديگر ، اين مسئله ايکه مى خواهم عرض کنم بگلي با آن جدا است . بنده هم آقایان اعتراض کردند که چه ربطى دارد اين مسئله راجع بقانون ۲۹ مهرداد ۱۳۲۶ است که دولت را مکلف کرده است راجع بتمام موارد يکه منافع ايران بهش تساوژ شده راجع بتمام اينها اقدام کند دولت مکلف است در تمام موارد يکه حقوق ملت ايران نسبت ببناب کشور اهم از مناببع زير زمينى وغير آن مورد تضييع واقع شده است بضموس راجع بنف جنوب بمنظور استيفائى حقوق مى مذاکرات و اقدامات لازم را بعمل آورد و مجلس شوراى مى را از نتيجه آن مطلع سازد اينجا دولت را مکلف کرده است که اقداماى يکه ميکند ويىک چائى ميرسد مجلس شوراى مى را مستحضر کند بنده شايه اينطور فکر کردم و فکر ميکنم که مادام يکه يك کار صحیحى انجام نگرفته و يك نتيجه مطابق اين ماده گرفته نشده وظيفه هر دولتى است اهم از آن دولتى که در آن وقت بوده يا دولتيکه بعد از آن آمده يا بعد ميآيد اينکار را بکند دوباره نفت من آن روز عرض کردم که من اطلاعاتى از اقدامات دولت سابق



اسکندری ملاقه دارند یکسری حضورتان بکنم (ممتنع دماندی - جلسه خصوصی داده شود) این را هم خواستم آقا حضورتان عرض کنم که بنده وزیر دارایی بودن را برای خودم هیچ شان نماند و هیچ شان هم ندارد، آن وزیر دارایی شان دارد که با تمام قوا و بانهایت سختی آن وظیفه که بهش محول شده است انجام بدهد برای من یک باغماقی و یک دربان که وظایفش را خوب انجام بدهد از یک وزیر دارایی که وظایفش را نتواند انجام بدهد خیلی مقامش بالاتر است (صحیح است) شان فایده ندارد؟ شان اینک یکی وزیر است یکی معاون است یکی وکیل است نیست، شان انجام وظیفه و خدمت بملکت است (صحیح است) بنده آقا احساس میکنم که این حرفهایی که زده میشود یعنی بعضی از آقایان یک حرفهایی نمیزنند و بعد میگویند که صدقه گفته ایم، هزاردقه گفته ایم بنده هم میگویم صدقه گفته ام، هزاردقه گفته ام ولی حرف افراد برای بنده اثر ندارد، چرا در نصیحت در دلالت در راهنمایی برای من خیلی اثر دارد ولی اینکه این کار را بکنید و این کار را نکنید این را باید مجلس شورای ملی بگوید (صحیح است) مجلس شورای ملی بگوید این کار را نکنید من نمیکم، بگوید این کار را بکنید من میکنم، مقصود این است که اشتباه نشود یک نفری بن نسبت عناد و لجاج میدهد آن کسی هم که بن اعتراض میکند که این کار را نکن و آن کار را بکن، منم باو نسبت عناد و لجاج میدهم در مجلس شورای ملی یک وکیل یک نماینده ای حق دارد حرف بزند من اطاعت می کنم، صحبت افراد اینجا در کار نیست، این را هم بنده خواستم حضورتان عرض کنم که من برای وزیر دارایی و مقام وزارت دارایی آقا هیچ شانی قائل نیستم و تا امروز هم سعی کردم وظیفه خودم را آنطوریکه قوه و توانائی دارم انجام بدهم ولی من احساس میکنم بعضی اشخاص روی یک منظور و مقصودی دارند حرف میزنند اینها را امروز عرض میکنم که مخلوط نکنید اگر یک جایی در روز رئیس دارایی ندارد چه مانعی دارد که نداشته باشد پنجروز نداشته باشد خوب آقا بایستی مطالعه شود بیک رئیس دارایی برای آنجا تعیین شود، یا اگر رئیس یک شرکتی نوشته است کارگران مشمول قانون بیمه میشوند خیلی بیجا کرده است، مگر من قبول کردم آقا؟ من میگویم آن کارگران مشمول قانون بیمه هستند اقامتگر اینجا عرض کردم اگر یک مطلبی هست که واقعا از روی دلوزی برای ملک است بنده در خدمت شما هستم بامدیگر تبادل نظر میکنم و انجام میدهم ولی اگر یک مطلبی است از نقطه نظر اینکه با وزارت بنده مخالف هستید بنده رای عدم اعتماد بدهم من میروم هیچ کاری هم بنده باینکه دولت ندارم عباس اسکندری - آقای وزیر دارایی برای سؤال حاضر هستند آقای رئیس بفرمائید مطرح شود.

**رئیس** - آقای وزیر.

**شرفی** - بنده خواستم برای رفع سوء تفاهم در کفه خدمت آقایان عرض کنم و استناد بندهم البته بفرمایشات خود جناب آقای وزیر دارایی است آقایان البته میدانند که بنده در مدرسه علوم سیاسی متعلم و شاگرد جناب آقای نجم پودم (صحیح است) و پیوند

ایشانم توضیح عرض کردم و همایشان را هم که امروز اینجا توضیح فرمودند و بنده اگر یک هفته قبل یک عرایضی کردم برای این بود که خواستم نشان بدهم کتا حدی از بکرت تعلیم ایشان بهره ور شده ام و همینطور که فرمودند چون تصور کردم یعنی الان هم این موضوع را ایشان تذکر دادند که اگر یک کسی بر سر یک مقامی باشد وظیفه اش را انجام ندهد و کلای مجلس شورای ملی مخصوصاً حق ایراد و سؤال و استیضاح دارند چون بنده اینطور فهمیدم که شاید در نتیجه فرمایشات آن روز آقای وزیر دارایی نمایندگان محترم تصور بفرمایند که از بنده قصوری یا تقصیری در انجام وظیفه شده است این بود که آن مطالب را بر عرض آقایان رساندم و حالا هم که این مطلب را فرمودند البته فرمایش ایشان متقن و صحیح است و خواستم عرض کنم که در انجام وظیفه چون کسی را که بر خدمتی میکارند اگر حق خودش را نتواند دفاع کند چطور از حق ملکیت میتواند دفاع کند این را خواستم خدمت آقایان عرض کنم که بنده انجام وظیفه کردم و اگر هم این سبب ملال و سکتورت خاطر ایشان شده بنده خیلی معذرت می خواهم.

**۴ - مهر فی آقای فریدونی معاون وزارت کشور**

**رئیس** - آقای وزیر کشور

**وزیر کشور** - بنده تصور میکردم موقعیکه دولتها وجود مابیندواز طرف وزرای مشول معاونشان بمجلس شورای ملی معرفی میشود اگر چنانچه در اثر ترمیم باینکه بنده وزیر مشول معاون جدیدی را بمجلس شورای ملی معرفی نکردم ترمیمش این است که آن معاون سابق بقوت خودش بپوشش باقی است بنده از چند نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی تعقیب سکردم و نظر بنده را تأیید سکردند ولی به بنده معلوم شد که بعضی از نمایندگان اینطور تصور می سکند یعنی اینطور تمیز میکنند که هر وزیر جدیدی که بیاید حتماً بایستی معاون یا سابقه دار یا سابقه ندار را وزیر جدید بمجلس شورای ملی معرفی کند اولاً بنده میخواستم که برای همکاران آینده این وضعت بیش نباشد و روشن بشود این مطلب ثانیاً چنانچه شق اول صحیح بوده که آقای فریدونی معاون وزارت کشور بوده هستند و اگر صحیح نبوده است در این موقع آقای احمد فریدونی را بمعازت وزارت کشور بمجلس شورای ملی معرفی میکنم. (صحیح است، احسن)

**عبدالرحمن فرامرزی** - صحیح بوده حالا هم مبارک است.

**رئیس** - آقای دکتر اعتبار.

**دکتر اعتبار** - عرض کنم که بنده تصور میکردم بعد از توضیحات جناب آقای وزیر دارایی و جناب آقای وزیر که در این جا هر دو آقایان توضیح دادند و هر دو آقایان مسئولیت دارند دیگر احتیاج به تکرار سؤال ندارد ولی متأسفانه موضوع برای بنده بهر حال روشن نشد موضوع بیاناتی که جناب آقای وزیر در جلسه مورخه ۲۶ اردیبهشت ماه در این جا سکردند این شامل سه قسمت بود شاید آقایان به خاطر داشته باشند ... (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد)

میشود وجه جورخارجها بهترین استفاده را از این اختلافاتی که در بین ما هست میکنند بنده شهادت همه آقایان میدانم که مدتی است که ساکت هستم و در مذاکرات مجلس شورا بلی هم زیاد شرکت نمیکم دلیل صدها اش این است که واقعا ما یوسم، ما یوسم با وضع حاضر چون می بینم تغییر لایم وضع مثل اینکه غیرمیسر بنظر میاید. (اردلان - ما یوس نباشید آقا) ما یوس هستم که شاید بشود کاری برای این مملکت سکرد اگر ما یک وقتی میخواستیم ما یوس نباشیم که این فکر را در خودمان تقویت بکنیم که این وضع را بایده عوض کنیم (صحیح است) (اردلان - آقا ما یوس نباشید) اغلب وقتی منیشیم و با دوستان و رفقا درد دل میکنیم فکر میکنیم که واقعا بچه ترتیب ممکن است این مملکت را اصلاح کرد فکر میکنیم که یک مردانی باید سرکار بیایند که واقعا متهور باشند، صحیح العمل باشند نترسند بتوانند بقاضاهای بنده و جناب عالی و هم روزید جواب منفی هم بدهند من می بینم یکی از مردانی که ممکن است واقعا ببرد مملکت بخورد یکیش همین آقای نجم است (صحیح است) ولی ایشان از آنروزیکه آمدند در وزارت دارائی کار بکنند مواجه شدند با یک اقدامات و مخالفتهای شدید (صحیح است) صحیح است منافع یک عده ای در مملکت ممکن است با اقدامات ایشان متزلزل بشود ولی آقا منافع مملکت را باید در نظر گرفت (صحیح است) آن را باید مراعات سکرد (صحیح است) و من امیدوارم که مجلس شورای ملی واقعا برای نفع مملکت پشتیبان هر شخصی مثل آقای نجم الملک باشد که واقعا فداکاری میکنند این آقا شوخی نیست بامملکت طرف شدن شوخی نیست با همه طرف شده است (صحیح است) فقط برای منفعت مملکت دارد کار میکند جادارد که ما افرادی مثل ایشان را تشویق بکنیم (صحیح است)

**رئیس** - آقای رفیع سؤال از آقای وزیر کشور نموده اند بفرمائید آقای رفیع

**رفیع** - در جلسه گذشته بنده راجع به مالیات و عوارضی که وضع کرده اند عرایضی کردم و حالا میخواستم از آقای وزیر کشور سؤال بکنم که در این باب چه اقدامی کرده اند و در تشکیل انجمن شهر چه اقداماتی فرموده اند، قاعده اش این است که انجمن شهر به نشینند و یک فکر صحیحی برای مردم بکنند و هر چه اینها گفتند قانونیت دارد (صحیح است) من تقاضا کردم از آقا که این تصویب نامه را بکلی کان لم یکن بکنند و فوری امر بکنند که انتظارات انجمن شهرداری شروع بشود و انجمن تشکیل بشود و هر چه آنها گفتند عمل بشود ولی این نکته را هم میخواستم عرض کنم که اشخاصیکه از اراضی سوء استفاده کرده اند و زمین را احتکار کرده اند اگر با قانون احتکار میتوانست جلو آنها را بگیرد و اگر نمیتواند یک تبصره ای ماده واحده ای بمجلس پیشنهاد کنید که از سوء استفاده آنها جلو گیری شود و دیگر احتکار نکنند این اراضی باید بین مردم عادلانه تقسیم شود و مردم هم استفاده کنند.

**رئیس** - آقای وزیر کشور

**وزیر کشور** - راجع به فرمایش آقای حاج آقا رضای از نقطه نظر اینکه سوء تفاهمی در مجلس رخ ندهد خواستم عرض کنم وزارت کشور

بر خلاف قانون عملی نکرده و یا از قانون تخلفی نکرده است بطوریکه آقایان اطلاع دارند در لیون انجمن شهرداری وزارت سکشور در کارهای شهرداری میتواند مداخله کند و این قبیل گزارشات یا تصویب نامه ها را از تصویب دولت بگذرانند ولی من موافقم و همانروزیکه از دولت سؤال شد بفرمائید تا یکید شده که فوراً انجمن را تشکیل بدهد اقداماتی هم کرده است و بنده هم موافقم که وقتی انجمن تشکیل شد انجمن پیشنهاد بکند.

**رئیس** - آقای عباس اسکندری

**عباس اسکندری** - سؤال بنده از جناب آقای نجم وزیر دارائی در این بیاناتی بود که ایشان در مجلس در جواب یکی از آقایان نمایندگان فرمودند چنانکه در تندنویسی مجلس مندرج است ایشان فرمودند که دولت گذشته هیچگونه اقدامی راجع به نفت جنوب نکرده است و ما هم هر قسم اقدامی که میکنیم مبتنی بر مواد امتیاز نامه و استیفای از این امتیاز نامه است (وزیر دارائی - اینطور نیست) اجازه بفرمائید مجله رسمی حاضر است البته آقا جواب خواهید فرمود و تشریف خواهید آورد بشت تریبون همه میدانند که با اتفاق آقایان نمایندگان متعرض شدن و مخالفت کردند باینکه اظهار نمودید تندنویسی مجلس هم متأسفانه هست و جای انکار نیست نوشته شده است سؤالی را که بنده کردم برای این بود که یک حقی از مملکت ایران فوت نشود بیاناتی که ایشان امروز اینجا کردند در یک قسمت و همین یک نکته ای کالان بلامت انکار فرمودند این خودش برای من اتخاذه است خوشبختانه می بینم که ایشان هم این عقیده را پیدا کرده اند اصولاً دو موضوع مورد سؤال بنده است یکی در روی اصل امتیاز نامه است که یک منطقه امتیاز خارج المملکتی برای کمیانی نفت جنوب در آن شناخته شده است و این امتیاز نامه بدلتانی که مکرر در این جا بنده بر عرض آقایان نمایندگان رسانده ام قوه قانونی چنانچه بایستی قراردادها داشته باشند ندارد (صحیح است صحیح است)

و از این لحاظ برای اینکه در آسمان مودت بین دو کشور ایران و دولت پادشاهی انگلستان هیچگونه کدورتی نباشد من مکرر خواهش کرده ام و از دولت هائی که آمدند بعنوان اعتراض و مخالفت تقاضا کردم و حالا هم از دولت انگلیس همین تقاضا را دارم که بیایند با یک اصل مسالمتی این موضوع را حل بکنند و این منطقه امتیاز خارج المملکتی از ایران برداشته شود و ایران وحدت کامل و استقلال اقتصادی که دارد طبق مواهب طبیعی و خدائی خودش (دهقان حالا هم دارد) البته که دارد ولی عایدات بصندوق ایران نیاید اما بیاناتی که این جا آقای وزیر دارائی و چند روز قبل آقای وزیر کردند همانطور که یک نفر از آقایان نمایندگان گفتند ما بالاخره از آنها چیزی نفهمیدیم که میخواهند چکار بکنند و وضع چیست؟ با هم گفتند و مخالفت نمودند و حالا هم آشتی کردند و از یکدیگر غرغروا می نمودند من می خواهم به بینم حاصل عمل برای مملکت چه بود؟ یک قانونی از مجلس گذشته و طبق آن قانون دولت باید یک صلباتی کرده باشد بنده چنانکه گفتم با اینکه منفرد و در اقلیت مجلس هستم و بدولت

گذشته هم نسبت به عملیاتش متعرض بودم مذلک که کفه در جریان بودم و استحضار داشتم که یک اقداماتی بفتح ایران راجع بهمین امتیاز میشود و شده بود اولاً میخواستم بدانم از تاریخی که جناب آقای حکیمی تشریف آوردند در دنبال آن اقداماتی که الان آقای وزیر دارائی در پشت همین سکرسی خطاب تأیید کردند که یک اقداماتی شد میخواهم بفهمم چه اقداماتی شده و بکجا رسیده اینها ما باید بفهمیم بنده این نگرانی از دولت حاضر از روز اول داشتم و همین دلیل هم باین دولت رای ندادم بنده خیال نمیکم که این دولت بخواهد کاری بکند و بتواند وقادر باشد که یک اقدامی راجع باین موضوع بکند من عقیده دارم که بایستی حتماً دولتی تشکیل بشود که این موضوع مهم را هر چه زود تر قبل از اینکه ما دیگر نتوانیم اقدامی بکنیم انجام دهد و این موضوع حل بشود (صحیح است - صحیح است) اما قسمت دوم، قسمت دوم چیز است که طبق همین امتیاز نامه ساختگی موادی که دارد بهمین مواد عمل نشده بنده میخواهم از آقای وزیر دارائی و جناب آقای حکیمی بیروم که اولاً مواد این امتیاز نامه از نظر تان گذشته؟ و میدانم که ماده پنج این امتیاز نامه چیست، بعد ماده ده چیست؟ و ماده ۲۰ چه میگوید و روی این مواد چه اقدامی کرده اند چون تصور نمیکم که مواد را اصلاً مرور کرده باشید و بآن باندازه یک ورقه بی قیمت معمولی اهمیت داده باشید آنرا بخاطر شما باشد توضیح میدهم در ماده پنج یک اشتباهی شده است در موقعیکه امضاء کنندگان با هجده امضاء میکردند که دبیر نشود فکر نمیکردند که یک شرکتی برای استخراج نفت در یک مملکتی اگر کاری میکند این شرکت مؤسسه هواپیمائی لازم ندارد نفت را که با هواپیما حمل نمیکند، لوله نفت را هواپیما اتصال نمیدهند و این مسخره آمیز است جزء اختیاراتی که در ماده پنجم بشرکت نفت داده شده ارتباطات، تلفن و تلگراف و وسائل نقلیه دیگر از جمله هواپیمائی است و یکی از موارد اشکالی که برای این مملکت الان هست که ما همیشه دولتها مان با او تصادف خواهند کرد سوء تفاهماتی در خارج همیشه ایجاد میکند این است که یک کمیانی بچه مناسبت اجازه داده شده است که هواپیمائی داشته باشد (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و با ورود چند نفر از نمایندگان مجدداً اکثریت حاصل شد) خیال میکنم که هیچ محل اختلافی در این موضوع بین مجلس شورای ملی و این هیئت دولت یا هر دولتی که به پشتیبانی اکثریت بخواهد بر کشور حکومت کند وجود ندارد (صحیح است - صحیح است) چون تمام افراد جزء مملکت ایران هستند و ایرانی هستند اگر این قضیه را با یک نظر بیطرفی امان نظر بکنند و بگویند که واقعا این اشتباه شده و وقتی دیدند که اشتباه شده خوبت صریحاً بگویند یکمیانی این یک کلمه ای که اشتباه شده بيمورد است و برای ما هم اشکالات زیادی ایجاد میکند این کلمه که کمیانی نفت جنوب هواپیمائی اختصاصی داشته باشد آقایان نمایندگان این مورد ندارد و اشکالات



ساز می هم برای ما ایجاد میکنند این را بایه برهید  
اصلاح نمود قسمت دوم ماده ۱۰ این قرار داد است  
ماده ۱۰ این قرار داد راجع به همین حق امتیازی  
است که کمیانی نفت جنوب مطابق این قرار داد  
دارد و این حق امتیاز بطلا مین شده است و همین  
حق امتیاز را بلیه کافد میگردد یعنی در حقیقت  
اینکه گفته میشود پنج میلیون لیره میدهد ، شما  
پنج میلیون لیره میگورید این یک میلیون لیره را در  
آن موفقی که یک میلیون و هشتصد هزار تن نفت استخراج  
میشد با همان قرار دادی که گفته میشد دولت های  
گذشته مطلقه و استبدادی نمی فهمیدند و این کار را  
کردند و آن قرار داد را بستند آن قرار داد بهتر  
از این بود زیرا در برابر هجده میلیون تن نفت که  
استخراج شده است شما با اندازه همان دو میلیون تن  
نفت پول گرفتارید در ماده ۱۰ قرار داد قید شده است  
دو میلیون ماده را خواندند که اگر قیمت طلا در  
بازار لندن فرق بکند و قیمت طلا در لندن از ۶ لیره  
استرلینگ در مقابل یک اس ترلری تجاوز کند برای  
هر پنی که علاوه برش لیره استرلینگ در مقابل یک  
اوس ترلری در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید  
بر کلیه مبالغ لازم اندامیه بدوات از طرف کمیانی  
: وجب این قرار داد میزان  $\frac{1}{1440}$  مبالغ مزبور  
افزوده خواهد گردید . این خودش ثابت میکند  
که اصلا این قرار داد پایه اش بر روی لیره طلا است  
و آنوقت شما چی میگورید لیره کافد میگورید ، شما  
اصلا باید فکر کنید که با همین قرار داد ساختگی  
شما چندین میلیون لیره الان طلب دارید و ضرر می  
میکنید این هم یک قسمت و اما قسمت دیگر راجع  
به فصل بیستم این قرار داد است که در قرار داد  
داری در ۱۹۰۱ مینویسد که در خاتمه مدت قرار  
داد در ۱۹۶۱ کلیه مؤسسات کمیانی نفت جنوب  
متعلق بدولت ایران است و دولت ایران مالک طلق  
تمام این ساختمانها و تمام این موسسات است گذشته  
از اینکه مادر چند سال دیگر میتوانستیم از هرد  
لیراهی مالک صلیبه شویم و غلط بودن این قرارداد  
از روی همین معلوم است که هیچکس غالما و غامداً  
اگر مجوز نباشد حاضر نیست که بگوید صلیبه را  
من دوازده لیره میخواهم بگیرم و این غیر ممکن است  
و فساد این قرارداد معلوم است که یک طرف بنا  
بر اجبار امضاء نموده است و طبق استادی که ارائه شده  
است و اطلاعاتی که هست و برض مجلس شورای  
ملی رسانده ام اما آن قسمتی که در این قرارداد باز  
شاهکار امضاء کنندگان را میرساند در اینجا قید  
میشود ده سال باخر مدت امتیاز مانده کمیانی حق  
دارد تمام آن چیزهایی را که داید ببرد نیچورد آنها را  
از ایران ببرد یعنی چه ؟ مشخص آن چیست و چرا  
ببرد مفهوم آنکه اگر این سستی وضعی را که من  
در این آقایان می بینم و اگر همینطور ادامه داشته  
باشد و ادامه بدهیم در ۱۹۹۳ خانه این امتیاز  
ساختگی شما یک صحرای آبادانی دو مرتبه تحویل  
میگیرید یعنی ده سال باخر مدت مانده همه چیز مربوط  
باین مؤسسات را میبرند و میگویند ببرد نیچورد و  
شما چیزی دیگر ندارید این مسلماً فطانت و این را  
بایستی حراجه کرد و تقاضا کرد ، اصرار کرد و اصلاح  
نمود بنده از آقای وزیر دارائی و جناب آقای نکندی

**سؤال میکنم که شما این روز های گوناگونی است**  
**را چرا اینک استیگن و آدور اینکها فرض کنیم فقط**  
**۱۸ روز بیشتر روی این صندلی بنشینید... خوب بالاخره**  
**یک روزی بنشینید میشود از روی این صندلی چه فائده**  
**جز بدنامی دارد نتیجه عمل بیست ؟ جناب آقای نجم**  
**شما بهتر از هر کسی میدانید که بنده با شما فرض خاصی**  
**ندارم آقایان مزاجه ای بشما کرده ام ؟ آقای حکیمی**  
**اینجا حاضرند و آقایان وزراء تمام حاضر هستند**  
**بگویند بنده که آنها هیچ مزاجه خاصی کرده ام که**  
**آن انجام نشده باشد و تقاضائی کرده باشم که منظور**  
**خاص مخالفت میکنم خیر راجع با استیگن نمی توانند**  
**چنین چیزی بگویند ، اصلا من اهل این صحبت ها نیستم**  
**که بگویم چون به دولتی موافق بودم و باشما با نظر**  
**میخواهم مخالفت کنم و با برای آن که دیگری سرکار**  
**بیاید در مطالب مملکتی هم بی جهت جدال میکنم**  
**خیر چنین نیست اگر شما رفتید ، دولت بسد هم که**  
**باید در روی این اصول و رؤس مطالب با من بروگرامش**  
**موافقت نداشته باشد با او هم مخالفم من با آن فرض**  
**میکنم که با هیچ کس اختلاف شخصی ندارم شما ها**  
**بیاید این چغنه روزی که هستید و اقلاً فکر مملکت**  
**باشید خیال کنید که یک روز حسابی در کار است خیال**  
**بکنید که یک روزی هست که ما میرویم یک اشخاص**  
**دیگری می آیند و قضایوت میکنند و می بینند که ما**  
**چه کردیم شما باور بکنید که آنهم میگویم از روی**  
**مطالعه است و تند نویسی مجلس هم ضبط خواهد کرد**  
**ما روزهای گرانهای داریم که این روزها بر نمیگردند**  
**(صحیح است - احسن است) اگر شما این فرصتها را از**  
**دست بدهید گناهش بدی مرتکب شده اید اگر فکر**  
**این روزها را ندانستید و از آنها استفاده نکردید**  
**و مراقب لازم را ننمودید و از اختلافاتی که بین ما مالک**  
**بزرگ جهان است و روزهای سعادت ما را تشکیل میدهد**  
**( صحیح است ) استفاده نکردید ، ما باید از این**  
**روزها استفاده کنیم ( صحیح است ) روزهای بدی**  
**ممکن است برسد یعنی مالک زورمند جهان اگر بیاوم**  
**اختلافاتشان را کنار گذاشتند دیگر ما اجازه نمیدهند**  
**که حتی خودمان را بتوانیم استیفا کنیم بیاید آقایان**  
**یک فکری برای مملکت بکنید و الا شما وزیر دارائی**  
**نباشید آقای وزیر می آید آقای وزیر بروند آقای**  
**اردلان میآیند مینظر خوب چند روزی میچرخد**  
**بعقیده بنده این فایده ندارد بیاید یک کاری بکنید که**  
**یک روزی که شما نیستید و این مردم هم نباشند یک**  
**اشخاصی که می آیند و صفحه اعمال شما را کارهای**  
**شما را میکنند بگویند که یک روزی یک سردمانی**  
**آمدند و یک خدمتی کردند ، و الا روزها میگوراند**  
**امروز و فردا و پس فردا بدر این مملکت بدست شما**  
**در خواهد آمد حالا بفرمائید جواب بدهید که شما**  
**برای این سه ماده چه کرده اید ؟ و بر طبق قانون**  
**مصوبه مهرماه چه اقدامی نموده اید ؟ و موضوع اختلاف**  
**تنها بر سر ماده ۱۶ قرارداد نفت نبوده است .**  
**رئیس - آقای وزیر دارائی .**  
**وزیر دارائی - حضرت آقای اسکندری**  
**باید خدمتتان عرض کنم که گویا جنابان با فراموشکار**  
**هستید ( جناب اسکندری - شاید اینطور باشد ) یا**  
**این گواشاهی فرموده اند که بنده هم سوالی نداشته بودم که**  
**بشما جواب بدهم . سوالی که از بنده شده بودو بن**

و بنده است راجع باین امر همان دو سوالی بود  
که آقای دهقان و آقای دکتر هبه سر کردند سوالی  
که بنده گفتم برای جواب آن حاضرم و در ۲۲  
او دیهشت ماه راجع بدعوی ورثه خلعت بری است  
با ملایک دولت که بنده گفتم برای جوابش حاضر هستم  
( جناب اسکندری - آنرا هم عرض میکنم و این  
را خوب حالا سؤال میکنم ) حالا سؤال میکنید  
خوب بنده هم بشما جواب میدهم ، سوالی که در روز  
بشما گفتم حاضرم این است که همراه آورده ام  
که جواب بدهم ولی سوالی را هم که امروز کردید  
جواب میدهم ؛ اولاً متأسفانه در این مملکت ( در مالک  
دیگر هم هست منحصر بایران نیست ) یک مردمانی  
هستند که اگر یک افرادی دارند یک آقامانی یک  
اشخاصی میزنند که هم به مملکت ضرر وارد میاورد  
و هم به خودش قربان کم میشود ، از نظر مردم  
هم یک مردمی را آزار میدهند بنده شنیدم این روزها  
که گفته اند یا نوشته اند که فلانی در موقعیکه  
این امتیاز بسته شده دخیل بوده ، عجب مردمان بی  
شرفی هستند این مردم ! من آنوقت که در وزارت  
دارائی بودم و این امتیاز نامه تنظیم شد مثل یکی  
از افراد هادی این مملکت می شنیدم که چه جربانی  
دارد یعنی در روزنامه ها میخواندم اولاً کار من  
مربوط باین کارها نبود من یک مردی بودم در وزارت  
دارائی مثل یک معاون اداری ، یک مدیر اداری  
مثل یک کسی که باید یک وزارتخانه را بگرداند  
من بیچوجه در جریان نبودم و ابداً دخیل در این  
امر نبودم ام از اینکه این امتیاز معایبی دارد و  
یا فاسدی دارد بعقیده شما ابداً بن من مربوط نیست و  
من وارد نیستم . من تعجب میکنم از آن اشخاصی  
که از روی فرض یک نسبت هائی میدهند این چیزی  
است که بالاخره که معلوم میشود و آنوقت یک  
نسبت های بیجائی که به مردم میدهند . بعد از  
یک مدتی معلوم میشود این اشخاص اشخاص  
کوچکی هستند ( فراموشی - حالا هم معلوم است )  
و اما راجع با اقدامات دولت سابق من تعجب میکنم  
شما بفرمائید مشاور دولت سابق بوده اید برای این  
اقدامات بفرمائید چه کرده اند بنده هم استفاده کنم  
از وجود شما که مشاور آن دولت بوده اید بفرمائید  
که چه اقدامی کرده اند ؟ آقا آنچه که آقای وزیر  
که البته خودشان اینجا گفتند و حالا هم حاضرند  
اینجا بگویند از بنده چه سوالی دارید ؟ من عقیده ام  
این است که خود جناب عالی بفرمائید هم برای این  
مجلس خوب است هم برای خود شما چون آن دهمه  
هم فرمودید بفرمائید آن مشاوره آن نصایحی که  
دادید بآن دولت به بنده هم بفرمائید بنده هم بشنوم  
تمام ملت ایران هم بشنوند که شما چه نصایح سودمندی  
دادید ، بیا هم بدهید ( فراموشی - ایشان مخالف آن  
دولت بودند ) همکار فغلی من وزیر دارائی آنوقت  
بودند و حالا هم اگر بخواهید توضیح میدهند و اما  
اقدامات دولت فغلی باقا عرض کردم اگر واقعا  
حسن نیت دا ید و میخواهید کار پیش برود و نسی  
خواهید مردم صحیح و وطن پرست را خراب کنید  
باین ترتیب کار مملکت پیش نمیروند ، شما امروز  
میگویند این حکومت ضعیف است ضعیف است آن  
اشخاصی هم که با آنها کار دارید این حرف ها را

می شنوند استفاده میکنند این حکومت مجدد حکومت  
دیگر میآید باز این حرفها و امیزید آقای اسکندری  
این برخلاف منافع مملکت است شما باید یک حکومتی  
را اصلا بدانید که این حکومت وطن پرست است  
و این حکومت حافظ منافع مملکت است و آن حکومت را  
نگاه بدارید . ( اسکندری - باید بدانم ولی نمیدانم )  
خوب اگر نمیدانید تقصیر کسی نیست بروید علم  
یابا کنید . مجلس شورایی باید حافظ وحامی یک  
حکومتی باشد و این حکومت را نگاه دارد آنوقت  
والا این غیر ممکن است ، یک حکومت دو سه چهار  
پنج ماهه ای که گاهی چهار استیضاح بعضی از آقایان  
بوده است گاهی چهار سوالات بعضی از آقایان بوده  
است گاهی چهار ترغیبات بعضی از مردم خارج است  
گاهی چهار یک عده دیگر بوده باین ترتیب بطور  
میتواند کار بکنند ؛ چه طور میشود کار کرد ؟ به  
جناب عالی عرض کردم خیالتان راحت باشد از روز  
اولی که بنده مصدر کار شدم باندازم که آن اوقات  
گرانهای ما اجازه میداده یعنی بعد از وضع آن قسمتی  
از اوقات گرانهای ما که در نتیجه استیضاح و تعرض  
و جنجال حرام شده یعنی آنها را ، آنها بکنم باقی  
آن عده روز ها را معلوم بکنید ، از ۶ دیماه مادچار  
برنامه و کشمکش بود چه بودیم از نهم ماه با بنظر  
هم نمیدانم چند دهمه استیضاح کردید چند دهمه وقت  
مارا آقایان و مردم تلف کردند البته آقا را عرض  
نمیکنم آنچه که باقی مانده شما مطمئن باشید که  
اقداماتی کرده ایم ولی نه اینهایی که خواندید ،  
اینهایی که خواندید خیلی خیلی در مقابل فکرها تکیه  
ما داریم کوچک است . ولی بشما نمیگویم من از  
جناب آقای رئیس خواهش کردم یک کمیسیون از  
اشخاص مطلع و بصیر تشکیل بشود بنده در این  
کمیسیون میگویم ( متعهد دماندی - آقای رئیس  
و پنج نفر نمیشود ملت ایران باید بفرماید اگر در  
مجلس علمنی میخواهید بگویند در جلسه خصوصی  
بگویند ) ( مکی - باید ملت ایران بدانند ) عرض  
کنم دیگر اینکه جناب عالی بفرمائید باید یک فکری  
کرد بحال این مملکت ولی متأسفانه برخلاف آن  
چیزی که بفرمائید عمل می کنید یعنی اینکه  
بفرمائید ما روزهای گرانهای را بعقیده آقا و هر  
کسی که شاید عقیده آقا داشته باشد بیفرد تلف میکنم  
عرض تقویت راجع باینکه یک کاری یک اصلاحی در داخل  
مملکت یا راجع بسائل خارجی مملکت بشود شما  
وقتتان را همین حرف ها و همین وعظها و نصیحتها  
و دلالت ها تلف میکنید من عقیده ام این است که  
برای خیر مملکت و برای اینکه منظور خود آقا  
که حفظ مصالح مملکت است بیش برود یک قدری  
رویه تان را تغییر بدهید ، خودتان را تغییر بدهید ،  
و الله یقیمان میشود نه حالا پنج سال دیگر ده سال  
دیگر ۱۵ سال دیگر ، آنوقت از خودتان متنفر  
میشوید .  
**سگی - سؤال اساسی بنده را هم خواهش میکنم**  
**جواب بدهید .**

**رئیس - آقای اسکندری**  
**راجع باین موضوع میتوانست صحبت کنید .**  
**اسکندری - آقای رئیس فرمودند بطور**  
**اختصار بشود و ضمناً آقای وزیر هم فرمودند برای**  
**جواب سؤال دیگر حاضرم مطالبی را که فرمودند**  
**بنده از آخر جواب میدهم . گفتند بنده بالاخره**  
**روزی یشیمان میجوم . آدی آقای وزیر دارائی**  
**حق دارید جناب عالی هم شاید مثل بنده همین اندازه**  
**روزی حرارت داشته اید ، بنده ها دیدید اشکالات زیاد**  
**است و صلاح در سکوت است حالا یشیمان شده اید**  
**و راه راست دارید میروید . ( خنده متصدنانندگان )**  
**بنده هم شاید بیست سال دیگر مثل شما بشوم ولی**  
**هنوز نشده ام من هنوز آن حرارت را دارم ، اما**  
**اینکه فرمودید صبر کنید ، تا کی صبر کنیم ؟ شما**  
**میخواهید چکار بکنید؟ صبر بکنیم تا روزیکه بگویند**  
**آقا بروید بی کارتان دیگر نمیشود کاری کرد ...**  
**اینکه نمیشود و صبر نمی کنم . اما اینکه گفتید**  
**اقدام کرده اید ولی بن نیکویند صحیح است مگر**  
**نمانندگان مجلس معرم نیستند اگر راست میگویند**  
**و کاری کرده اید بد کتر معظمی و چند نفر دیگر**  
**بگویند و سایر و کلاه را در جریان بگذارید که این**  
**کار را کرده ایم ولی شما ها آتقدر حکومت تان**  
**خارج از قاضه رفتار کرد که حتی وقتی من در**  
**برنامه راجع بیازگشت بحرین و نفت جنوب صحبت**  
**کردم شما حاضر نشدید که این دو مطلب راجزه**  
**برنامه خودتان بگذارید بنده هم در موقع استیضاح**  
**چنانکه میدانید کسالت داشتم و حال مقتضی نشد که**  
**آنچه میدانستم بگویم و حالا این موضوع را هم**  
**میگذارم برای استیضاح دیگر باز خدمتتان میرسم .**  
**( خنده نمایندگان ) موضوع سؤال دوم بنده راجع**  
**باملاکی است که ....**  
**رئیس - آقای اسکندری این سؤال حالا مطرح**  
**نیست آقای اسکندری .**  
**اسکندری - ... اجازه بفرمائید خیلی مختصر**  
**است مفید هم هست برای مملکت ( بفرمائید )**  
**آقای وزیر دارائی هم که حاضر جواب هستند .**  
**رئیس - آقای وزیر کشور و آقای فریدونی**  
**هم مطالبی دارند .**  
**اسکندری - اجازه بفرمائید بحال مملکت**  
**مفید است ( خنده نمایندگان ) موضوع سؤال من**  
**جریان املاک معروف باملاک خلعت بری است آن**  
**موقعی که شما آقای نجم دو وزارت دارائی بطور**  
**عادی مشغول عمل بودید البته از زیر دستتان هم برد**  
**شده است بغبوی میدانید که این موضوع با موضوع**  
**قانونی که برای املاک یادشاه سابق از این مجلس**  
**گذشت متفاوت است ( وزیر دارائی - یکی است )**  
**اجازه بفرمائید . عرض کنم شما که فرصت دارید در**  
**موقع جواب بدهید مرحوم سه سالار خلعت بری**  
**دو قسم بدعی بدولت داشت یکی بدولت داشت**  
**یکی بیانک استقراضی سابق که بعد ها بیانک**  
**استقراضی با اسم بیانک ایران شد و بایه بیانک کشاورزی**  
**فغلی روی آن گذاشته شد املاکی را برای این دورقم**  
**بدعی تمیز کردند و این املاک را تقویم کردند**  
**طبق استادی که موجود است به ۸۰۰ هزار تومان**  
**در آن موقع قیمت شد د کتر میلیونی رئیس مالیه**  
**دلمه اولی که در ایران مشغول خدمت بود فرستاد**

مأمورینی را کاملاً راتقویم کنند آنها گفته اند این  
املاک نمی آزد و به ششصد هزار تومان قیمت کردند  
و فروختند به ساهدالدوله پسر سه سالار بعدها همان  
املاک را وزارت دارائی و بانک ایران در برابردو  
قلم بدعی مزبور ببیلع بکمیلون و صد و سی هزار  
تومان قبول کرد یعنی به پانصد هزار تومان پیش  
از آنچه که دکتر میلیسه با ساهدالدوله بر گرداند این  
ها تمام دوسیه دارد هر کدام را که بنده میگویم شاید  
دویست صفحه رویش نوشته شده این املاک را  
بر گردانند بیانک ایران و وزارت دارائی و آقای  
تقی زاده که آنوقت وزیر دارائی بودند و شما آنوقت  
در وزارت دارائی مدیر کل بودید یک مقاصص  
حساب پورته سه سالار دادید یعنی دیگر شایدهی  
ندارید و بقیه املاکشان را با آنها وا گذار کردند  
بعد ها یک قسمت املاکی را یادشاه سابق خریداری  
میکرد و تعویض میکرد چنانچه همه میدانند از  
جمله این املاک را هم از بیانک ایران خریداری  
میکردند و تعویض کردند من کاری ندارم که  
این املاک چقدر می آزد و بکار ندارم که  
این املاک هم اش برسد پورته خلعت بری یا نرسد  
این مقاصص نامه ای است بامغای آقای تقی زاده  
« آنرا ارائه دادند » که در برابر این املاکی که وا گذار  
شده است با آنها داده شده است ممکنست در این  
واگذاری ورته خلعت بری مغبون شده باشد شاید بنده  
باشند من نمیدانم با اینکه پانصد هزار تومان زیاد  
تر تفاوت بهاست و با آنها کاری ندارم ولی عملی را  
که دولت آقای حکیمی و وزارت دادگستری و وزارت  
دارائی می کنند برای من اسباب حیرت است ( وزیر  
دارائی - سکوت نکرده ایم ) ( بعد بفرمائید شما  
که ماشاء الله خوب صحبت میکنید ) قانونی که از  
مجلس گذشته میگورید املاکی را که یادشاه سابق  
از مردم خریده در یک محکمه ای بنام دادگواه  
املاک اختصاصی میروند که آنندادگاه باین املاک  
رسیدگی میکند بنده حیرت دارم که این املاکی را  
که یادشاه سابق از وزارت دارائی و بانک ایران  
خریده بچه مناسب فرستادید بان دادگاه و دویست  
میلیون تومان مخارجی که در آنجا شده است و مال  
مردم این مملکت بوده است اینها را می خواهید یک  
کمیانی اختصاصی وا گذار کنید و اینکه الان در  
جرایست ومن اطلاع دارم ، ممکنست خلعت بریها  
حق داشته باشند ولی باید بروند در محکمه مالیه  
اقامه دعوی بکنند بروند حکم بگیرند یا در محکمه  
عادی و از محکمه بدایت و استیضاح بگذرند و بدو این کشور هم  
حکمشانرا تفهید کند ولی با ستان در این ماده قانون شما بتوانید  
اینهارا بدادگاه اختصاصی املاک وا گذاری برید و  
یک صورت ظاهری درست بکنید و امست عالی گنید  
اینطور نیست شما اگر قصد دارید که حق مردم را  
حفظ کنید تمام ملت ایران صاحب حقد حق همه  
را شما باید ملاحظه کنید این عمل واقعا الان کرده  
اید و در جرایست این املاک سه قسمت است یکی ۱۸  
پارچه ملک است که سه سالار در موقعی که یادشاه  
حاضر و لبعده بوده جدا گانه یک بملتی فروخته است باین  
یادشاه یادشاه خود دانه و این هجده پارچه ملک یک قسمت  
املاکی است که مال بیانک ایران و وزارت دارائی  
است و یک قسمت املاکی است که در زمان سلطنتش



فصل مبلغ هفتصد و شصت هزار و شصت و ده تومان درین تصدیق شده مرحوم سیهسالار بوجوب سند رسمی شماره ۲۴۷ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ طهران در تاریخ چهارم شهریور ۱۳۰۹ از طرف ورثه آن مرحوم بیانات ایران منتقل شد و بدین ترتیب بانک مالک قطعی املاک مزبور گردید و بعد از تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۱۰ بانک ایران کلیه املاک مورد معامله را حین دوازده مبلغ هفتصد و شصت هزار و شصت و ده تومان باطلحضرت پادشاه فقید انتقال داده تقریباً بعد از یکسال یعنی در ۱۳۰۹ خرید و در ۱۳۱۰ رد کرده پس از آنکه بوجوب غیر منقول که از طرف اهلحضرت پادشاه فقید به بندگان اهلحضرت همایون شاهنشاهی منتقل شده و بدولت انتقال یافت و قانون املاک و اگذارایی مصوب ۱۲ خردادماه ۱۳۲۱ ماده ۶ رسیدگی بشکایات و دعاوی اشخاص را نسبت باملاک و اگذارایی بهر عنوان که باشد از صلاحیت هیئت رسیدگی بامور املاک و اگذارایی قرار داد بانک کشاورزی و پیشه و هنر که قائم مقام قانونی بانک سابق ایران است طبق دو فقره دادخواست تسلیمی بهیشت های رسیدگی شهسوار و رودس بطرف وزارت دارائی استرداد املاک را که بشرح معروض فوق باطلحضرت پادشاه سابق انتقال داده خواستار گردید من خودم در این باب نامل دارم از اداره مربوطه پرسیدم در صورتی که بانک کشاورزی سرمایه اش مال دولت ایران است این املاک هم که برگشته است بدولت ایران اصلاً چه مناسبت داشته است که بانک کشاورزی باین محاکم مراجعه کرده اصلاً یا مال وزارت دارائی است یا مال بانک کشاورزی است البته این اعتراض در بادی نظر این سؤالی را که کردند و خواندم من تعجب کردم این چه است گفت که یک هیئتی در آن موقع مشغول مطالعه اجرای این قانون بودند و از آن طرف هم می شنیدم که هر کس صبح سرش را از رختخوابش بیرون می آورد از در خانه اش بیرون می آید بفکر این می افتد که یک قطعه از این املاک را برای خودش ببرد و متأسفانه آنهایی که قطعات بهشان باید رسیده باشد آنها مانده برای اینکه سوادند داشته اند در موقع عرض حال ندادند مدت دادن عرض حال هم گذشته حالا باید بکنند دیگر بکنیم یک قانون دیگر بیاوریم (دکتر مظنی) قانون بیاورید تقسیم کنید بین مردم) بنده که آوردم آقاسی تا قانون آوردم اجازه میفرمائید همین دفعه هم میآورم تقدیم میکنم ولی منظور اگر مانند در کارها و کشاورها است چشم هزار تا میآورم حالا منظور همین است که من تعجب کردم که چرا اینطور شده که یک هیئتی که حالا ننشسته اند و فکر کرده اند و مطالعه کرده اند آنوقت اینطور صلاح دانستند در هر حال این مطلب بنظر می آید میگوید که بطرفیت وزارت دارائی استرداد املاک را که بشرح معروض فوق به اهلحضرت پادشاه سابق انتقال داده خواستار گردید و همچنین ورثه سیهسالار نیز به استناد تبصره (۲) از قانون املاک و اگذارایی متوسل شدند به این تبصره که این تبصره شامل حال آنها نمیشود این تبصره این است که میگوید در مواردی که مأمورین اهلحضرت پادشاه سابق املاک را ب

خود انتقال گرفته و بعداً پادشاه سابق انتقال داده باشند متصرفین قبل از انتقال بامورین مزبور میتوانند بر طبق این قانون اقامه دعوی نمایند انتقال دهندگان مزبور در حدود این قانون متصرفین قبل از تصرف پادشاه سابق شناخته خواهند شد این بنظر بنده اینجا وارد نیست یعنی بانک کشاورزی یا بانک ملی که مأمورین اهلحضرت پادشاه سابق نبودند بنظر من قانون مقصودش آن مأمورین مستقبلی بوده که اهلحضرت سابق میفرستادند که املاک را میفرستادند و بعد انتقال میدادند خلاصه اینها متوسل شدند توجه بفرمائید بعنوان اینکه بانک ایران جزء مال اهلحضرت پادشاه سابق بوده و بانک املاک مزبور را برای شاه سابق انتقال گرفته در هیئت رسیدگی لاک شهسوار ورود سر اقامه دعوی نموده و استرداد املاک مرقوم را تقاضا کرده اند. مدرك ورثه مرحوم خلمت پری در قسمت پنجمه معامله بقصد انتقال باطلحضرت پادشاه سابق بوده اولاً صورت مجلس تأمین دلیل است که سر دفتر شماره ۱۰ اظهاراتی بر صحت ادعای ورثه مرحوم سیهسالار نموده و گواهینامه ای است که عده ای شهادت داده اند معامله بانک بنظر انتقال املاک پادشاه سابق بوده است املاکی که یکسال فاصله بوده است بین خرید و فروش یک سر دفتر که تهیه ام کرده و یک شهودی که تهیه ام از کجا آمده اند (یک نفر از نمایندگان اسامی شهود را بفرمائید) بنده اسامی شهود را ندارم ولی ممکن است برایتان بیاورم با اینکه سابق امر و اوضاع و احوال و عدم تفارن دو معامله و بخصوص حکایت و صراحت متن سند بانکه هیچگاه بانک جزء مال شاه سابق نبوده دلالت کامل بر بطلان ادعای ورثه مرحوم سیهسالار و اودارد مذلک دادگاه املاک رودس برای رسیدگی باین موضوع که آیا معامله ورثه با بانک بنظر انتقال املاک باطلحضرت شاه سابق بوده یا خیر قرار استماع گواهی گواهان را صادر نموده که قرار مزبور بوسیله هیئت رسیدگی نخستین طهران اجراء شده و از این طریق هیئت نخستین برای تقویت دعوی بی اساس ورثه به دور قرار اشاره شده مبادرت کرده و حال آنکه اولاً بشرح معروض فوق مجالی برای ترتیب اثر دادن بگواهی گواه نبود زیرا شهادت دو مقابل مندرجات اسناد رسمی اجباری ندارد و ثانیاً طبق قانون املاک و اگذارایی هیئتها مکلفند که در صورت وجود شرایط قانونی املاک را بصرف قبل از اهلحضرت پادشاه سابق رد کنند و چون بانک متصرف قبل از اهلحضرت پادشاه فقید بوده رسیدگی بدعوی ورثه خلمت پری بکیفیت معروض انحراف جریان رسیدگی را در یک دعوی بسیار مهم نشان میدهد بهر حال چون این دعوی یکی از دعاوی مهم دولتی است و شاید در فهرست دعاوی دولتی دعوائی باین اهمیت چه از لحاظ موضوع که در حدود ۴۷۲ فقره املاک و مبالغ کلی قیمت آنها است و چه از لحاظ کسانی که طرف دولت هستند و اغلب از متنفذین و بعضاً هم وکیل و هم اصیل میباشد شایان توجه مخصوص است علاوه بر آنکه جریان دعوی از ناحیه وزارت دارائی با سکوت تلقی نشده برعکس و بر خلاف تصور نماینده محترم آقای عباس اسکندری در تمام این مدت چه در مواقعی که این دعوی در هیئت های رسیدگی رودس و شهسوار مطرح بوده چه از وقتی که در اثر

انحلال هیئت های محلی جریان این معامله در شعبه يك هیئت نخستین طهران تعقیب میشود وزارت دارائی با دخالت دادن و کلاه و نمایندگان مورد اعتماد و با تقدیم دلایل متقن بررد دعوی ورثه در نظارت و مراقبت کامل نسبت باین دعوی کمال جدیت را مبذول داشته و علاوه بر آنکه خود مراقب حسن جریان کار بوده هم حکمتاً و هم بوسیله مذاکرات شفاهی و متوالی از جناب آقای وزیر دادگستری که هیئت های رسیدگی بامور املاک و اگذارایی هم از سازمان های تابعه ایشان است خواستار شده که در حدود قانون مراقب حال این حاکمه باشند وضع دعوی فعلاً در مرحله نخستین است و با آنکه در دوجلسه اخیر که یکی در اواخر بهمن ۲۶ و یکی در اردیبهشت ۲۷ و وقت هر جلسه بیست و دو روز تمام طول کشیده هنوز منتهی بصدر رای نهائی نشده برای تکمیل رسیدگی تجدید جلسه شده است برای نهم مرداد ۲۷ و ضمناً برای منیذاستحضار خاطر نمایندگان محترم عرض میشود که معامله ورثه با بانک راجع باملاک تنکابن و کلارستان و سیارستان است و نور و کجور مورد معامله با بانک نبوده است منظور این است که آقا مطلع باشند همینطور که اینجا مکرر عرض کردم باز هم عرض میکنم یکی از بلایای بزرگ و یکی از گرفتارهای بزرگ وزیر دارائی بودن است و تصور میکنم که نظیر نداشته باشد و البته در ممالک دیگر هم وزیر دارائی زیر بار يك بلایای سنگین است برای اینکه وزیر دارائی مراقب مأمورین مورد اعتمادش باشد آن مأمورین مورد اعتماد مراقب این امور باشند و این امور هم غالباً سرش در يك جاهای خیلی بزرگ می رود و آنها هم ظاهرآ با آدم مخالفت نمیکند بنده هم بقول شما بنبروز و یا چند روز دیگر بیرون خانه خودمان ولی آنها کار خودشان را میکنند میگویند این میشود ولی نمیدانند که دولت یعنی ملت مملکت مال این ملت است و یک روزی هم همانطور که آقای دکتر فرمودند انشاءالله لایحه اش را میآورم و تقدیم میکنم و این املاک را تقسیم میکنم بین مردم ولی اینجا در مملکت ما کار برعکس است یعنی وقتی میگویند دولت دولت یعنی مال زارع و مال ملت یعنی مال من اما وقتی مال من شد میگویم آقا این مال ملت است ولی مال ملت نیست مال من است هر چه ملک دست دولت داشته باشد مال ملت است کارخانه ای که دست دولت باشد مال ملت است راه آهن که دست دولت باشد مال ملت است اماره آهن که مال من شد مال ملت نیست. در خارج يك کسی چند روز پیش بمن گفت آقا دارند در دنیا تمام کارها را ملی میکنند شما چرا دولتی می کنید گفت آقا تمام دنیا دارند اموال را ملی میکنند گفتم آقا ملی چیست؟ گفت ب مردم میبخشند پس شما اشتباه کرده اید گفتم نه آقا دولت اینها را جمع میکنند و همه از ش استفاده میکنند بکنفر حق ندارد از ش استفاده کند و البته دولت هم کمک میکند و مساعدت میکند منظور عرضم این است که این کارها کار خیلی سنگینی است خیلی مشکل است من برای خودم نمیگویم کار و زحمت پردوسر و بی اجر و باین اعتراضهایی که میشود باین وضع خدا عاقبت وزیر دارائی را بخیر کند.

ردیف	نام	موضوع واردات	مبلغ ارز
۸۵	هزین سنگه تولوچین سنگه	چرم گاومیش - قماش - سیمان	۱۰۱۶
۸۶	بازرگانی پراچاسردار	نخ نسوز - دوچرخه - يد كی اتومبیل - لوازم دوچرخه	۱۰۰۰
۸۷	محمدصادق ساجدی	ساعت مچی	۳۷۵
۸۸	بازرگانی سردار	ورق چوب سفید - قوطی - دوچرخه - یاد بزن برقی	۳۶۶۹
۸۹	بازرگانی پنجاب ۱۰ م	کافه سنباده - دوچرخه - چسب ایلیکس	۱۰۸۰
۹۰	سردار سنگه و سنگه	گونی - نخ	۷۵۴
۹۱	سردار هورت سنگه	قماش - فلنل	۱۰۹۸۶
۹۲	آقای هرنیس سنگه و برادران	چای	۵۵۷۹۰۶
۹۳	وزیر سنگه	چرم - قماش - گونی	۹۱۳۳۰۰۳۰۸
۹۴	ورهوس موهند اس دادوا	پتو	۷۵۴
۹۵	وسن سنگه خانیوری	چای - گونی	۷۶۲
۹۶	مان سنگه مسهتی سنگه	لاستیک - چای	۵۲۷
۹۷	ماترا شاهي	کیسه - گونی - قماش	۲۰۳۳۹۰۰۴
۹۸	مالک سوجان سنگه	لاستیک - چای -	۳۰۲۶۹۰۰۱۰۷
۹۹	سردار مهرسنگه	پارچه قماش	۵۰۱۳۸۰۰۳
۱۰۰	سوتا سنگه	دارچین	۳۷۴۸۰۰۷۰۱۰
۱۰۱	سردار مهتاب سنگه	چای - قماش	۲۰۶۹۲۰۱۳۰۲
۱۰۲	مانو هرسنگه	تایر -	۸۴۴۳۰۱۸۰۰۳
۱۰۳	سردار کویال سنگه	اسباب ورشو - چرم - رادیو	۶۹۶۸۰۱۲۰۰۵
۱۰۴	قتور سنگه	لاستیک - پتو - چای	۵۸۵۴۰۰۴۰۰۸
۱۰۵	سردار صاحب سنگه جده	دوچرخه - قماش نخی	۲۱۴۱
۱۰۶	سنگه شاهیوری	تایر -	۲۷۵۳۰۰۴۰۰۶
۱۰۷	سوهان سنگه ستاره	قماش	۸۱۴
۱۰۸	ریال سنگه رنگارنگ	چای - کیسه گونی - قماش	۹۱۶۱۰۱۸۰۰۱
۱۰۹	سردار چار سنگه	دوچرخه	۴۳۵
۱۱۰	جکت سنگه جس	تلبه اتومبیل باری - قماش نخی	۲۱۷۶۰۸۰۱۱
۱۱۱	تیجا سنگه	چای	۲۸۲
۱۱۲	تاگرداس نیکرداس	کیسه گونی - قماش نخی	۳۰۱۲۱۰۹۰۰۱
۱۱۳	پرتاب سنگه کهتلی	ابریشم مصنوعی - کت گنه - قماش نخی	۱۹۱۹۰۰۱۵۰۰۱
۱۱۴	نیشیداس سوهن سنگه	چای - قماش نخی	۱۱۱۱۷۰۱۳۰۰۵
۱۱۵	بابو بیارا سنگه	قماش نخی - چای - تایر	۲۰۲۴۵۰۰۱۰۱۱
۱۱۶	سیگال	دوچرخه - شیشه	۸۵۰
۱۱۷	بابو ملکی چند	کیسه گونی قماش نخی هندي	۲۵۵۷۰۱۹۰۰۷
۱۱۸	اشیرسکه وپسران	چای	۱۷۷۶۰۰۲۰۰۷
۱۱۹	سردار اتوسنگه	کیسه گونی - چای - قماش - دستمال	۱۳۷۶۰۱۲۰۰۴
۱۲۰	اتورسنگه کهلی	طایر - چسب - چای - قماش نخی	۹۲۲۷۰۰۴۰۰۸
۱۲۱	سوفر فروزان پور	دارو	۱۸۶۵۰۰۱۲۰۰۸
۱۲۲	داود ساسون یعقوبی	قماش نخی	۲۱۸
۱۲۳	آ. م. آ. ساسون	آمیول	۴۵
۱۲۴	جلال سادات تهرانی	نخ قرقره	۲۰۰۰
۱۲۵	محمدهلی سبزواری	قماش نخی	۴۵۲۴۰۰۱۰۰۶
۱۲۶	دکتر سید حسن سجادی	کتاب طبی	۳-۱۷-۰۶
۱۲۷	مرتیضی سرفراز	لوازم طبی و فنی	۷۰
۱۲۸	علی اکبر پراچی	پارچه نخی	۹۸۰۵
۱۲۹	گاموئل ژورژ	لاستیک نخی - تسمه برزنت	۲۰۴۳
۱۳۰	دکتر حسین سعادت	کتاب	۱۳۷۵
۱۳۱	علی سعادت	کافه تحریر	۵
۱۳۲	بازرگانی سلامت	دارو	۱۸۴۴-۱۸-۱۱
۱۳۳	مهندس قاسمی	کامند	۴۶۶۹

۶- موقع دستور جلسه آینده ختم جلسه جمعی از نمایندگان - ختم جلسه رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی روز پنجشنبه دستور لایحه معدومیت بازرگانان خارجی (پنجشنبه پنجشنبه) به از ظهر جلسه ختم گردید (رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

# تصویب نامه

۳۲۷-۳-۴

شماره ۳۹۰۶

وزارت بهداری

هیئت وزیران در جلسه سوم خرداد ماه ۳۲۷ بنا به پیشنهاد شماره ۶۰۶۶ - ۲۸۹۸ وزارت بهداری و موافقت شماره ۱۲۲۶-۷۴ مورخه ۲-۱-۳۲۷ وزارت پست و تلگراف و تلفن تصویب نمودند جعل امانت‌های ارسالی وزارت بهداری و قسمت‌های تابعه آن در دستگاه پاستور کوزن آن ۶ کیلوگرم و یا کمتر از آن باشد بوسیله هواپیمای و یا هر وسیله پستی دیگر مجاز بوده و مشمول مقررات قانون پستی نباشد تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است

شماره ۳۸۹۳  
نخست وزیر

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه سوم خرداد ماه ۳۲۷ بنا به پیشنهاد شماره ۱۶۰۲۳ - ۳-۱۶۰۲۳ مورخ ۲-۲۲-۱۳۲۷ وزارت دارائی و با استناد ماده هفتم قانون اصلاح قانون تعرفه گمرکی و مالیات راه مصوب ۲۲ تیر ۱۳۲۰ از نظر تشویق صدور محصولات معدنی کشور تصویب نمودند:

۱ - از تاریخ تصویب بابت هر کیلو با ظرف مبلغ پنجاه دینار جایزه صدوری سرب بشکل شمش و اشکال همانند دیگر و همچنین مبلغ یکریال جایزه صدوری سرب بشکل میله - صغره - تخته و ورق بصادر کنندگان تأدیبه شود مشروط بر اینکه مسلم باشد سر بهای مزبور از محصولات استخراج شده از معادن کشور میباشد.

۲ - شمشهای سنگین وزن سرب محصول معادن ایران که در بنادر و دفاتر مرزی گمرک میشوند از پرداخت حق مهر سرب برای هر قطعه معاف و فقط برای یک مهر سرب برای هر مرسله دریافت گردد. تصویب نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

شماره ۴۰۴۸  
نخست وزیر

وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه اول خرداد ماه ۳۲۷ طبق پیشنهاد شماره ۴۶۶۹ - ۱۶۸۷۲ وزارت کشور تصویب نمودند از تاریخ صدور این تصویب‌نامه موارد مقرر در ماده ۵۷ و ۵۸ تصویب‌نامه شماره ۴۶۳۲ - ۳-۴۶۳۲ راجع بوصول موارد از روی درجه بندی از گوارزها در شهرستان تبریز بدون رعایت درجه بندی و مقطوعاً از هر گوارز مساهی یکمصد ریال دریافت گردد.

تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است  
نخست وزیر

شماره	موضوع تصویب	شماره
۱۳۴	مصطفی سبزی	۲۸۰۱۸۰۰۰
۱۳۵	پانو ۰۳۰ سبزی	۶۰
۱۳۶	دکتر سرتس	۳۰
۱۳۷	محمد سعید سوداگر	۲۲۶۱-۱۰۰۹
۱۳۸	لقون تورگرنوی	۲۰
۱۳۹	سهلی برادران	۲۲۲۳-۱۵-۱۰
۱۴۰	موسی سبزی	۱۷۳۶
۱۴۱	کتابخانه سبزیان	۵۰
۱۴۲	ابراهیم سبزی	۱۸-۱۰-۰۶
۱۴۳	اوز مستر سنک	۲۷۶۹-۰۴-۰۶
۱۴۴	هرنام سنک	۱۰۴۰۶-۱۰-۰۲
۱۴۵	هریس سنک	۷۱۱۷-۰۵-۰۶
۱۴۶	هرا سنک بشن سنک	۹۴۱-۱۵-۱۰
۱۴۷	هواسنک هرنام سنک	۷۹۲۱-۰۸-۱۱
۱۴۸	مهرسنک مهین سنک	۳۰۵۰۰۹-۰۲
۱۴۹	منو هرسنک	۳۳۹۸-۱۵-۰۳
۱۵۰	موند سنک	۷۵۳-۰۶-۱۱
۱۵۱	هری سنک	۱۲۸۷-۰۶-۰۵
۱۵۲	هاروت سنک	۳۴۴-۱۶-۰۴
۱۵۳	هراسنک یرمی	۶۷۷-۰۲-۰۱
۱۵۴	ننه سنک	۷۰۰-۰۵-۰۲
۱۵۵	ویر سومل سوهنداس	۴۲۴-۱۷-۰۹
۱۵۶	بیکهان سنک	۲۷۱-۰۴ -
۱۵۷	سردار ماریان سنک	۹۲۰-۰۸-۰۵
شماره ۱۵۸	از قلم افتاده است.	
۱۵۹	بکیان سنک	۹۵۰۰۸-۰۲
۱۶۰	لارسنک ساهی	۱۵۰۶-۱۸-۱۱
۱۶۱	اوداس کشکارام	۲۱۱۰-۱۵-۰۳
۱۶۲	گللاب سنک سوهنی	۷۹۷-۰۲-۰۸
۱۶۳	کلن نات	۲۶۳۸-۰۹-۰۲
۱۶۴	گوربش سنک شامبوری	۱۵۷۹-۱۶-۰۴
۱۶۵	سردار صاحب	۷۲۹-۰۰۱
۱۶۶	گوربش سنک مازنو	۷۱۳-۱۷-۰۴
۱۶۷	سوهن سنک	۴۰۰-۱۶-۱۰
۱۶۸	سردار سنک نارنک	۱۰۰۳۳-۱۰-۰۴
۱۶۹	سردول سنک	۱۹۷۷-۱۷-۱۱
۱۷۰	بازرگانی اسبیت پسران	۲۰۳۵-۰۷-۰۸
۱۷۱	خزان سنک	۷۰۶-۰۸-۰۷
۱۷۲	تارومل رامداس	۳۳۴۷-۰۹-۰۵
۱۷۳	تارومل هول چند	۶۳۶۳-۰۲-۰۵
۱۷۴	ترومل هوهنداس	۷۶-۱۱-۹
۱۷۵	تجارخانه بگندوس	۵۲۶۳۳ - -
۱۷۶	بابا هری سنک	۱۰۷۵۸-۱۸-۱۰
۱۷۷	سردار نهکدان سنک	۶۰۴-۱۷-۰۶
۱۷۸	سردار مرنا سنک	۲۱۱۵-۰۳-۱۰
۱۷۹	سردار موهر سنک	۳۶۴-۰۲
۱۸۰	سردار مهرسنک چادها	۱۰۷۵۹-۱۹-۱۰
۱۸۱	وابسته سفارت انگلیس	۸۰-۱۲-۰۶
۱۸۲	« « «	۷۴-۰۸-۰۷
۱۸۳	سفارت ایتالیا	۴۱-۱۵ -